



قبلاً آنرا پیش‌بینی نکرده و درباره آن تصمیم لازم نگرفته باشیم. انعطاف‌پذیری انقلاب ما راهگشای پیروزی آن است، زیرا تجربه به ما نشان داده است که هر تحول انقلابی دیگری، وقتی که در چهارچوب انعطاف‌ناپذیر اصول ثابت، به هر صورت و در هر ترکیب، محصور شده باشد، پس از مدتی خودبه‌خود قابلیت هماهنگی خویش را با الزامات و نیازهایی که پیش می‌آید از دست می‌دهد و دیگر نمی‌تواند پاسخگوی شرایط تازه آن اجتماع باشد.

یک خصیصه بنیادی دیگر انقلاب ما، تطبیق دایم آن با ارزشها و موارد مدنی و فرهنگی خاص ایرانی است. شاید این امتیاز حاصل بلوغی باشد که در نهاد ایرانیان وجود دارد، و بدانان امکان می‌دهد که از کلیه پیشرفتهای علمی و صنعتی جهان مرفی برای برخورداری از رفاه مادی و دستاوردهای زندگی نوین استفاده کنند بی‌آنکه روح خویش را در اختیار شیطان تکنولوژی قرار دهند، و بی‌آنکه به دام آن گمراهی و سرگشتگی غم‌انگیزی بیفتند که امروزه دامگیر نسل جوان بسیاری از جوامع دیگر جهان شده است و از آن عادتاً به صورت «شکاف تسلیها» نام می‌برند، هرچند که چنین مسئله‌ای برای ما ناآشنا است، زیرا با سازمان اجتماعی سنتی و حاضر ما سازگار نیست.

امیدوارم در آینده نیز بتوانیم همچنان با حفظ فضایل و ارزشهای تمدن ایرانی، با انکاء به هویت ملی خود، و با پشتوانه غنای روحی و میراث فرهنگی خویش، از انحرافات و



سرگشتگیهای نسل جوان خود جلوگیری کنیم. این امر مستلزم حفظ پیوند استوار انقلاب ما با تمدن و فرهنگ ملی است. این امتیازی است که وارثان تمدنها و فرهنگهای اصیل دارند، و اگر ما پیام پرشکوه و معنوی این میراث کهن را همواره در گوش داشته باشیم همچنان توازن پیشرفتهای همه‌جانبه مادی را با ارزشهای انسانی و اخلاقی جامعه ایرانی حفظ خواهیم کرد.

\*\*\*

و فنی که اصول انقلاب ایران توسط من اعلام شد، جنبه دگرگون‌کننده و بنیادی آن حتی بسیاری از کسانی را که در نیک‌اندیشی و صداقتشان تردیدی نبود به‌هراس افکند. برخی از مشاوران من خبرخواهانه متذکر شدند که اتخاذ چنین راه‌حلهای انقلابی کشور را به تباهی خواهد کشید و نیروی سازندگی و ابتکارات ثمربخش را از میان خواهد برد. گروهی از اقتصاددانان نیز پیشینی کردند که به‌زودی سرمایه‌ها از کشور فرار خواهند کرد و سرمایه‌گذاری در امور تولیدی متوقف خواهد شد. برخی هم، که این‌بار چندان حسن‌نیت نداشتند، غیبگویی کردند که ایران به‌سوی کمونیسم خواهد رفت.

ولی آنچه در عمل روی داد، درست عکس همه این پیش‌بینی‌ها و غیبگویی‌ها بود. ایران از راه انقلاب به‌سوی ورشکستگی نرفت، بلکه به‌سوی شکوفایی اقتصادی بی‌سابقه‌ای رفت که پویایی آن حتی نواندیش‌ترین کارشناسان اقتصاد جهان



را به‌شگفتی افکند. نه تنها سرمایه‌های داخلی فرار نکرد، بلکه سرمایه‌گذارهای وسیع خارجی نیز بر آنها افزوده شد. تهران که روزگاری بیرون از هر فهرست جهانی فعالیتهای اقتصادی بود، به‌صورت یکی از پر جوش و خروش‌ترین مراکز دنیایی این فعالیتهای درآمد عصر صنعتی به‌مفهوم امروزی آن در ایران آغاز شد، و به‌موازات آن با تغییر نظام کهن زمینداری و استقرار تعاونی‌های زراعی و کشاورزی، عصر کشاورزی مکانیزه نیز شروع گردید. اکنون اقتصاد ما بر اساس واقع‌بینی و آینده‌نگری روزبه‌روز استوارتر و سالم‌تر می‌شود، و بر پایه این اقتصاد تندرست و شکوفا ایرانی تازه به‌وجود می‌آید که در آن نعم مزایای دانش و تمدنی پیشرفته به‌برکت یک نظام مترقی اجتماعی و اقتصادی در دسترس همه افراد ملت قرار می‌گیرد.

از آغاز انقلاب تا به‌امروز، رقم تولید ناخالص ملی به‌قیمتهای جاری از حدود ۲۴۰ میلیارد ریال به ۵۶۸۲ میلیارد ریال رسیده، یعنی تنها در عرض پانزده سال این تولید بیش از ۱۶ برابر شده است. حجم پس‌انداز ملی که معیار سلامت وضع اقتصاد عمومی است از ۴۵ میلیارد ریال به ۱۵۰۹ میلیارد ریال افزایش یافته است. نسبت رشد سالانه اقتصادی کشور ما، که سالهاست به‌صورت بالاترین میزان رشد اقتصادی جهان در صدر فهرست بین‌المللی جای دارد، در حال حاضر ۱۳٫۸ است و درآمد سرانه متوسط که در سال آغاز انقلاب ۱۷۴ دلار بود، به ۲۲۲۰ دلار در نیمه اول سال جاری بالغ گردیده است.



کشور ما که تا سال ۱۹۷۳ اصولاً در فهرست بیست کشور ثروتمند مورد مطالعه صندوق بین‌المللی پول نبود، از سال ۱۹۷۴ مقام سیزدهم را در این فهرست به‌دست آورده است. در تعیین حدود جهات پیشرفت صنعتی، از یک طرف ما امکانات طبیعی، انسانی، مالی و فنی خود را در نظر داریم، و از طرف دیگر متوجه اتخاذ تازه‌ترین روشهای علمی و صنعتی با توجه به‌مقتضیات بازارهای جهان هستیم، و به‌شیوه همیشگی خویش در این راه خود را در زنجیر هیچ مکتب اقتصادی که با نیازمندیهای ملی و با توسعه اقتصادی ما ناسازگار باشد پای‌بند نمی‌کنیم.

امروز ما می‌توانیم تازه‌ترین تکنولوژی و علوم عصر حاضر را جذب کنیم. کشور ما اکنون مرحله صنایع سبک را پشت سر گذاشته و به‌دنبای شگفت‌انگیز صنایع سنگین پا نهاده است. گذشته از صنعت نفت، صنعت ذوب‌آهن ایران که ستون فقرات صنایع دیگر محسوب می‌شود منظم‌اً روبه‌گسترش است. صنایع پتروشیمی ایران در مرحله‌ای است که می‌توان آنرا در خاورمیانه بی‌رقیب خواند و از نظر جهانی در سطوح اول دانست. مجتمع‌های صنعتی و شیمیایی ما پیوسته وسیع‌تر می‌شود. صنایع بزرگ مس و آلومینیوم نیز در آستانه جهش و توسعه فوق‌العاده‌ای است، و ذخایر شناخته‌شده عظیم این منابع، و نیز منابع سنگ‌آهن مرغوب و منابع ذغال‌سنگ که ذخیره برآوردشده آن در کویر مرکزی بین ۳۰ تا ۴۰ میلیارد تن است، پشتوانه مطمئنی برای این گسترش صنعتی است. مسلم است که در آینده منابع دیگری نیز

کشف خواهند شد.

اکنون صنعت پیشروترین بخش اقتصاد ماست. کارخانه‌های تازه به سرعت تأسیس می‌شود، و تولید محصولات گوناگون فلزی و معدنی، مواد شیمیایی و دارویی، فرآورده‌های پتروشیمی، کالاهای الکتریکی و الکترونیکی، وسایل حمل و نقل، وسایل ارتباطی، مواد غذایی و محصولات متعدد دیگر همه‌ساله حدود نصاب تازه‌ای به دست می‌آورد. در کنار این تولیدات، صنایع سنتی و دستی ما نیز چه از حیث کمیت و چه از لحاظ کیفیت در حال پیشرفت است، و اگر در این مورد مشکلاتی پیش آید در رفع آنها کوشش شود.

صنایع داخلی، از صنایع سبک گرفته تا صنایع سنگین، اکنون عموماً در حال رشد سریع است ... به‌طور مثال صنعت اتومبیل‌سازی ایران از بدو ایجاد خود از رشد متوسط سالانه ۲۱٪ یعنی بیش از رشد متوسط اقتصادی کشور برخوردار بوده است، و این صنعت اکنون بازارهای خوبی در بیش از ده کشور اروپایی و آسیایی و آفریقایی دارد. با سیر پیشرفت صنایع ایران هر روز بر تعداد واحدهای صنایع نوین‌آید افزوده می‌شود، به‌طوری که تنها طی ده سال علاوه بر صدها واحد کوچک صنعتی بیش از یکصد واحد بزرگ صنعتی و تولیدی تأسیس شده است.

با گسترش صنایع بزرگ و کوچک، شهرهای صنعتی متعددی در نقاط مختلف کشور ایجاد شده‌اند یا در حال ایجاد هستند که مجموع آنها عملاً تمام مملکت را دربر می‌گیرد. محور صنعتی

تهران - اصفهان طی سالهای آینده به‌صورت یکی از بزرگترین مراکز تولید صنعتی آسیا در خواهد آمد.

چنین جهش استثنایی، الزاماً مسائل و مشکلات استثنایی نیز برای اقتصاد کشور به‌وجود آورده است که از نظر ماهیت به‌کلی با مسائل جامعه گذشته ایران متفاوت است، زیرا مسائلی است که تنها در چنین مرحله پیشرفته‌ای از توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور می‌تواند مطرح شود. کمبود کشتی بنادر و جاده‌ها و فرودگاهها، کمبود کادر متخصص، کمبود کارگر، از جمله این مسائل است.

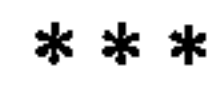
دو مسئله حاد و اساسی نیز به‌صورت مهم‌ترین مسائل اقتصادی امروز و فردای کشور در برابر ماست، و آن آب و انرژی است. محدودیت آب همواره در کشور مسئله‌ای بوده، ولی طبعاً هیچ وقت ابعادی مانند امروز نداشته است. چه در زمینه کشاورزی، چه در امر صنعت، و چه در مورد نیازهای روزمره عمومی، کمبود آب و لزوم صرفه‌جویی در مصرف آن از راه بهره‌گیری از کلبه وسایل علمی و فنی و از راه استفاده دوباره از آن از حیاتی‌ترین مسائل مملکت است. این سرمایه ملی که اکنون براساس اصل دهم انقلاب در خدمت تمام ملت ایران قرار دارد، می‌باید بسا حداکثر هشیاری و واقع‌بینی به‌مصرف برسد تا حتی یک قطره از این ماده حیاتی‌بخش از نظر اقتصاد کشور به‌هدر نرود.

مورد انرژی نیز، که در مبحث مربوط به نفت به‌طور مشروحتر درباره آن گفتگو خواهد شد، از حیاتی‌ترین مسائل آینده ما و



اصولاً آینده تمام جهان است. اقتصاد ما در عین برخورداری از درآمد کنونی نفت می باید از هم اکنون کمال توجه و کوشش را در امر تأمین انرژی جانشین آن به هنگام پایان یافتن این منبع جهانی مبذول دارد، و این کاری است که طبعاً ما آن را مانند همه موارد دیگری که به آینده نگری ارتباط دارد با هشیاری کامل در مد نظر و اقدام داریم.

هر برنامه ریزی اقتصادی، باید بر اساس تصویر درازمدت توسعه ایران از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی انجام گیرد، و چنین تصویری از نظر آرمانی در تمام مراحل تعیین هدفها، خط مشی ها، سیاستها، تهیه پیشنهادها و تنظیم برنامه ها از اصول انقلاب الهام می گیرد. مشارکت مردم در سطح ملی و محلی در اداره امور مربوط به خود، توجه به استراتژی بلندمدت توسعه ملی، و تجهیز همه جانبه ملی، از اصول رشد و توسعه آینده اقتصاد ایران با در نظر گرفتن همه ضرورت های اجتماعی و اقتصادی است.



موفقیت کامل انقلاب، طبعاً از آغاز مستلزم اجرای همزمان و هماهنگ اصول مختلف آن بود، زیرا اجرای جداگانه یک یا چند اصل، هر قدر هم دقیق و جامع بود، نمی توانست به تنهایی نتیجه مطلوب را عاید کند. مثلاً لازم بود تحقق اصل اصلاحات ارضی با تحقق اصول دیگری از انقلاب در زمینه های بهداشتی و آبادانی



و نوسازی و آموزشی و تشکیل خانه های انصاف و برقراری بیمه های اجتماعی در روستاها همراه باشد تا کشاورز آزاد و خانواده او بتوانند در پرتو نظام جدید از همه آن مواهبی که لازمه حقوق اجتماعی و انسانی افراد آزاد است برخوردار شوند. همین وضع در مورد کارگر ایرانی، رأی دهنده ایرانی، کارمند ایرانی، و به طور کلی هر فرد ایرانی در هر شغل و مقام که از مواهب انقلاب ایران بهره مند می شد، وجود داشت. بدین جهت بود که جهش انقلاب ایران در آن واحد در همه جبهه ها آغاز گردید، و در همه جبهه ها نیز به صورتی هماهنگ پیش رفت.

صفحات این فصل از کتاب به یک مرور کلی در اصول نوزده گانه انقلاب به عنوان زیربنای اجتماعی و فلسفی «تمدن بزرگ» اختصاص یافته است. البته در مورد آمار و ارقام مشروح مربوط به هر یک از این اصول هر خواننده علاقمند می تواند به سازمانها و مراجع صلاحیتدار مراجعه کند. مضافاً به اینکه در زمینه نه اصل اول در کتاب «انقلاب سفید» نیز به تفصیل سخن رفته است. این مرور کلی طبعاً نمایانگر همه پیشرفتهای مملکت در دوران حاضر نیست، بلکه در آن فقط به توضیح تحولاتی اکتفا شده است که با «انقلاب شاه و ملت» و آثار اجتماعی آن ارتباط دارد. سه مبحث مربوط به حزب رستاخیز ملت ایران، تسفت و سیاست مستقل ملی نیز از این نظر بدین فهرست افزوده شده است که تحولات این هر سه رشته ارتباط مستقیم با شرایطی دارد که تحقق اصول انقلاب به وجود آورده است.



## اصلاحات ارضی و کشاورزی

اصلاحات ارضی در یک مرحله مقدماتی و سه مرحله اصلی انجام گرفت. مرحله مقدماتی، واگذاری املاک سلطنتی ایران به کشاورزان بود که طبق فرماتی که در هفته بهمن ماه ۲۵۰۹ از جانب من صادر شد انجام پذیرفت. چند سال بعد یعنی در سال ۲۵۱۴ قانون فروش خالصجات دولتی به موقع اجرا گذاشته شد. از سال ۲۵۱۶ این وظیفه به بانک عمران و تعاون روستایی که پنج سال پیش از آن به همین منظور تأسیس شده بود واگذار شد. و بدین ترتیب تا هنگام اعلام اصول انقلاب ایران زمینهای ۱۴۰۰ قریه با سطح ۲۰۰ هزار هکتار میان بیش از ۴۲۰۰۰ کشاورز تقسیم گردید.

این مرحله مقدماتی، کوششی شخصی از جانب من در راه تعدیل نظام کهن زمینداری در ایران بود که به همین آزمایش محدود ماند و مورد پیروی مالکان دیگر قرار نگرفت. زیرا در آن زمان مصدق جلو تقسیم اراضی خود را گرفت. تا وقتی که با اعلام اصول انقلاب و تصویب قاطع ملی این آزمایش به صورت نخستین اصل منشور در سطح ملی به معرض اجرا درآمد. و تحقق پیروزمندانه آن به توده های عظیم کشاورزان ایرانی امکان آن را داد که از بهره کشی استعماری مالکان بزرگ بدر آیند و با استفاده از آزادیها و امکاناتی که برای آنان به وجود آمده بود. در بالاترین سطح تولید ملی مشارکت جویند. اجرای قاطع اصل



اصلاحات ارضی، از یک طرف افزایش عملکرد و تولید کشاورزی را باعث شد و از طرف دیگر توزیع عادلانه درآمد حاصله از این افزایش را در میان کشاورزان تأمین کرد. در مرحله اول اصلاحات ارضی، تمام زمین های که مالکان در آنها بیش از یک ده داشتند به قیمت عادله خریداری و به کشاورزانی که روی همان زمینها کار می کردند به اقساط پانزده ساله فروخته شد.

در مرحله دوم، مالکان موظف شدند که یا ملک مزروعی خود را برای سی سال به کشاورزان اجاره نقدی بدهند و یا آن را با توافق بدانان بفروشند. بدین ترتیب حداکثر مالکیت ارضی طبق ضوابطی که بر حسب نواحی مختلف فرق می کرد تقلیل یافت. به موجب این مرحله از قانون، املاک موقوفه عام نیز بر حسب عایدات آنها به اجاره درازمدت ۹۹ ساله به کشاورزان واگذار گردید و در مورد موقوفات خاص متولیان ملزم به فروش آنها به دولت و تقسیم آنها بین زارعین شدند.

در مرحله سوم مالکانی که ملک خود را اجاره داده بودند به موجب قانون موظف به فروش آن به کشاورزان با تراستی طرفین یا تقسیم به نسبت بهره مالکانه مرسوم در محل شدند. در نتیجه تمام کشاورزان صاحب زمین گردیدند.

پس از اجرای مراحل سه گانه اصلاحات ارضی، زمان سازندگی روستاها از راه اجرای برنامه های وسیعی که بهره کشاورزی ایران را بکلی دگرگون کرد فرا رسید. این برنامه ها



افزایش اراضی زیر کنت، بالا بردن میزان برداشت محصول از واحد سطح، استفاده از روشهای تازه و پیشرفته کشاورزی، توسعه و تقویت شبکه شرکتها و تعاونیهای روستایی، تشکیل شرکتهای سهامی زراعی، ادغام شرکتهای تعاونی روستایی کوچک و مجاور در یکدیگر، تعاونی کردن تولید و یکپارچگی اراضی در منطقه عمل شرکتهای تعاونی روستایی، تاسیس خانههای فرهنگ روستایی، اجرای قانون بیمههای اجتماعی روستاییان، و سرانجام گسترش اصل بازدهم انقلاب در مورد نوسازی و عمران شهرها و روستاهای کشور را برای ترییع در آهنگ پیشرفت و رشد کشاورزی شامل می شد.

بموجب آمارگیری سال ۲۵۲۵، تعداد روستاهای ایران ۶۶۷۴۵ ده یا فریه در سطوح مختلف اعلام شد که طبق قانون اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات مشمول خدمات نوسازی می شوند. این خدمات راه سازی، آب آشامیدنی، تأسیسات بهداشتی و خدمات پزشکی، حمام، مدرسه، کتابخانه، برق، پست و تلگراف و تلفن، فروشگاههای تعاونی، خانههای فرهنگ روستایی، مرکز آموزش حرفه ای، بانک، خانههای سازمانی و خانههای مسکونی را شامل می شود، و بدین ترتیب با اعمال همه خدماتی که تاکنون در اختیار شهروندان قرار گرفته است در اختیار جامعه روستایی و کشاورزان نیز قرار می گیرد.

با اجرای سومین مرحله اصلاحات ارضی، دیگر هیچ گونه مائگی که عدهای کشاورز برای او کار کنند در مملکت باقی



نمانده است، و اکنون تنها مالکانی که وجود دارند کسانی هستند که روی زمینهای خود با استفاده از ماشین آلات کشاورزی و با استخدام کارگر کشاورز کار می کنند. با پایان عصر اربابورعیی امروز هر کسی زمین را فقط برای خودش کشت می کند.

ولی براساس این شرایط جدید، منافع کشاورزان ایجاد می کند که کار آنها نه به صورت فردی و خصوصی، بلکه به صورت شرکت در واحدهای اقتصادی کشاورزی انجام گیرد. زیرا بهره گیری از زمین در سطح و کیفیت لازم، مستلزم برخورداری از سرمایه کافی و وسایل کشاورزی مکانیزه و استفاده از تخصصهای فنی و حرفه ای است که فقط سازمانهای دسته جمعی کشاورزی مانند شرکتهای سهامی زراعی امکان آنها را دارند. در این شرکتها - که ما ایجاد و توسعه آنها را تشویق می کنیم - مالکان این اراضی با زمینهای خود وارد شرکت می شوند و به جای زمین خویش سهام دریافت میدارند. در حالی که زمین در مالکیت آنها باقی می ماند، منتها نمی توانند زمین تازه ای بخرند یا بفروشند، و فقط می توانند سهام خود را خرید و فروش کنند. این خرید و فروش نیز منحصرأ میان سهامداران عملی می شود و کسی نمی تواند از خارج وارد شرکت شود و سهام خریداری کند. ضمناً با درگذشت این افراد وراث آنان وارث زمین نمی شوند، بلکه وارث سهام می شوند. بدین ترتیب شرکت با چند هزار هکتار زمین خود دست نخورده باقی می ماند، و چنین مقدار زمینی می تواند با اجرای طرحهای کوتاه مدت و بلند مدت، به منظور استفاده از



شرایط و امکانات کشاورزی مدرن مورد حداکثر بهره‌برداری قرار گیرد این امر مالکیتی است که هم انفرادی است و هم دسته‌جمعی. در این سیستم بدون اینکه مالکیت بزرگی وجود داشته باشد، کشاورزان در یک واحد وسیع کار می‌کنند و در پایان سال از یک طرف به نسبت سهام خود سود دریافت می‌دارند و از طرف دیگر بابت کاری که کرده‌اند دستمزد می‌گیرند. برای کمک به اجرای برنامه‌ها، بانک اعتبارات کشاورزی تأسیس شده است که نزدیک به دو بیست شعبه در سراسر کشور دارد. این بانک نه فقط به تعاونیها و اتحادیه‌های کشاورزی وام می‌دهد، بلکه به کشاورزان نیز به‌طور انفرادی کمک می‌کند. به‌عنوان ترازنامه اجرای مراحل سه‌گانه اصلاحات ارضی در دوران پانزده ساله انقلاب، می‌توان ارقام ذیل را ذکر کرد:

تشکیل ۲۸۷۱ شرکت تعاونی روستایی در حوزه عمل ۴۵۸۹۱ روستا با عضویت قریب ۲۸۰۰۰۰۰ نفر، تشکیل ۱۴۷ اتحادیه تعاونی روستایی با ۲۸۵۵ شرکت عضو، تشکیل ۸۹ شرکت سهامی زراعی در ۸۱۶ روستا و مزرعه با مساحت ۴۰۰۰۰۰ هکتار زمین که بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر از کشاورزان و خانواده‌های آنان از مزایای آن استفاده می‌کنند، تشکیل ۳۵ شرکت تعاونی تولید روستایی به‌منظور یکپارچه‌شدن اراضی مزروعی کشاورزان و در جهت امکان بهره‌برداری از منابع آب و خاک و تسطیح اراضی مزروعی و سایر تأسیسات عمرانی و زیربنایی در ۲۱۴ روستا و مزرعه با مساحت ۸۸۰۰۰۰ هکتار و با



بیش از ۵۷۰۰۰ نفر عضو، تأسیس ۱۰۲۲ خانه فرهنگ روستایی که بیش از دو میلیون نفر روستایی از امکانات و وسایل آنها استفاده می‌کنند، و ۷۴۹ مهد کودک که در آنها فرب ۲۵۰۰۰ نفر از کودکان روستایی سه تا شش ساله از تعلیمات کودکستانی و یک وعده غذای روزانه بهره‌مند می‌شوند.

تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی و دیگر شرکت‌های کشاورزی روستایی، نتایج بسیار رضایت‌بخشی در برداشته است که از مهمترین آنها دسترسی کشاورزان به انواع بذرها، اصلاح شده و کودشیمیایی و سموم دفع آفات و ماشین‌های کشاورزی، تغییرات لازم در نوع زراعت و جایگزین ساختن محصولات جدید با بازار بهتر به‌جای محصولات درجه دوم، آموزش‌های زراعی و حرفه‌ای، افزایش سطح کشت به‌علت استفاده از اراضی ملی و اراضی بایر و مرات و مطلوب‌المنفعه، فعالیتهای تعاونی با حذف واسطه‌ها، فراهم آوردن مسوجبات تصمیم‌بیمه‌های اجتماعی روستاییان و بالابردن سطح اطلاعات عمومی و توسعه امکانات پرورش استعدادهای آنان است.

\*\*\*

چند اصل دیگر از اصول نوزده‌گانه انقلاب ایران که اصول سوم، ششم، هفتم و هشتم منشور انقلاب را تشکیل می‌دهند، از نزدیک با اصل اصلاحات ارضی ارتباط دارند. اجرای اصل سوم یعنی فروش سهام کارخانه‌های دولتی به‌عنوان پستوانه



اصلاحات ارضی، دو منظور اساسی تأمین کرد: از یک طرف سهام کارخانه‌های دولتی به جای پول نقد و اوراق قرضه به مالکان برگ با بابت بهی املاک خریداری شده از آنان واگذار شد و این امر از رکود سرمایه‌ها یا سرمایه‌گذاری در معاملات غیرسالم جلوگیری کرد، از طرف دیگر فروش سهام کارخانه‌ها باعث شد که این واحدها به صورت شرکتهای سهامی درآیند و همه طبقات اعم از سرمایه‌دار و بازرگان و کارگر و کشاورز و کارمند دولت و غیره بتوانند در صورت تمایل در آنها سهم بگردند و بدین ترتیب در عین تحصیل عواید مستقیماً در توسعه صنعتی و امور تولیدی و اقتصادی مملکت شرکت کنند. عملاً این تحول باعث شد که ارزش سهام این کارخانه‌ها بالا رفت و چرخهای آنها بهتر به کار افتاد و سود بیشتری از این راه عاید سهامداران گردید.

با اجرای این اصل از انقلاب، به غیر از صنایع ملی از قبیل راه آهن، نیرو، اسلحه و نظایر آنها که طبعاً در تصاحب دولتی بامی ماندند، ۵۵ کارخانه قند و نساجی و سیمان و مواد غذایی و پنبه و ابریشمی باقی و غیره تبدیل به شرکتهای سهامی شدند و «شرکت کارخانه‌های ایران» را تشکیل دادند که سهام آنها از طریق بانک کشاورزی در معرض فروش گذاشته شد. ارزش این سهام در سطحی پایین نگاهداشته شد و حداقل سود سالانه آنها در میزان ۶ درصد تضمین گردید تا همه افراد با درآمد متوسط و کم بتوانند آنها را خریداری کنند. کارخانه‌های مشمول این طرح



در عمل مدرنتر و مجهزتر شدند و از این راه صنعتی شدن ایران در دو راه موازی یعنی تأسیس صنایع در بخشی دولتی و حفظ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تکامل یافت. بدین ترتیب قسمت اعظم کارخانه‌های دولتی به مردم فروخته شد، و آن قسمت از این کارخانه‌ها نیز که در اختیار سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران قرار گرفته است در حال نوسازی است تا سهام آنها در اجرای اصل سیزدهم انقلاب به عموم عرضه گردد.

اصول ششم و هفتم و هشتم انقلاب که فعالیت سپاهیان انقلاب را در سه زمینه دانش و بهداشت و آبادانی شامل می‌شود نیز تا حد زیادی با اصل اصلاحات ارضی مربوط است، زیرا اجرای برنامه‌های کار این سپاهیان (که بعداً به صورت مشروحتر بدانها اشاره می‌شود) نقش بسیار مؤثر و سازنده‌ای در بهسازی روستاها و تعمیم بهداشت در آنها و سوادآموزی و پرورش فکری روستاییان و کشاورزان دارد. اجرای برنامه‌های بررسی آفات و بیماریهای گیاهی و برنامه‌های دامپروری و دامپزشکی و غیره نیز سهم مهمی در بالا رفتن سطح زندگی کشاورزان و روستاییان ایران داشته است و دارد.

طبق آمارهای دولتی، رشد مداوم و مستند تولیدات کشاورزی ایران در دوران پانزده ساله اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی تا به امروز از حد متوسط ۵٪ در سال بیشتر بوده است، و با بررسیهایی که برای مشخص کردن قطب‌های کشاورزی مکانیزه انجام می‌گیرد به حفظ این آهنگ کمک خواهد شد.



## منابع طبیعی

اصول دوم و دهم انقلاب، ناظر بر ملی شدن جنگلها و مراتع و آبهای ایران است. این ملی شدن نتیجه منطقی این برداشت فلسفی است که عوامل ثروتی که ابتکار و زحمت انسان در ایجاد آنها سهمی نداشته است نباید در استفاده انحصاری افراد معینی قرار گیرند. بلکه باید سرمایه مشترک همه افراد ملت محسوب شوند و بهره برداری از آنها نیز به نفع تمام مملکت انجام گیرد. بر این اساس، جنگلهای کشور که آنها را «معادن طلای سبز» لقب داده اند، و مراتع، و اندکی بعد منابع آب کشور، ملی اعلام شدند و همراه با این اعلام برنامه های وسیعی در مورد هر کدام از آنها تنظیم گردید و به مورد اجرا درآمد. در حدود ۱۲۰ میلیون هکتار جنگلها و مراتع کشور به منظور بهره برداری ملی در اختیار دولت قرار گرفت و این بهره برداری بر اساس طرحهای عملی و منطبق با موازین اقتصادی آغاز شد. به موازات این امر، در مساحتی معادل ۲۸۰۰۰ هکتار اقدام به ایجاد جنگلهای مصنوعی شد و بیش از ۵۰۰۰ هکتار فضای سبز در اطراف شهرهای بزرگ ایجاد گردید و پارکهای جنگلی متعددی در مناطق مختلف کشور به وجود آمد. برنامه های وسیعی در مورد احیاء منابع جنگلی و حفاظت خاک و مهار کردن شنهای روان و جلوگیری از پرشدن مخازن سدها و ممانعت از پیشرفت کویر و سپس عقب راندن آن از راه نهال کاری کویری مورد اجرا قرار گرفت.

برنامه های مشابهی در مورد مراتع و چراگاههای کشور و به کار گرفتن شیوه های نوین پیشرفته مرتع داری از طریق مطالعه و شناخت منابع گیاهی، پژوهش های اقلیمی، گردآوری نمونه های نباتی و بررسی تولید بالقوه مراتع موجود طرح و اجرا شد. اجرای این دو رشته برنامه مستلزم تربیت کادر متخصص ورزیده و تأسیس مؤسسات تحقیقاتی ویژه و تجهیز دستگاههای اجرایی از نظر نیروی علمی و فنی بود که همه آنها تاکنون نتایج رضایت بخشی داشته است. نیروی محافظ منابع طبیعی (جنگلها و مراتع کشور) اکنون متجاوز از ۴۰۰۰ نفر است. آخرین آمار رسمی حاکی است که تا پایان سال ۲۵۲۵ طرحهای جنگلداری ۶۱۵۰۰۰ هکتار از ۱۳۰۰۰۰ هکتار جنگلهای قابل بهره برداری شمال کشور را شامل شده است. کلیه عملیات بهره برداری و حفاظت و حمایت از جنگلها و مراتع کشور زیر مراقبت و نظارت مستقیم دولت انجام می شود. همچنین این آمار نشان می دهد که تا آخر سال گذشته نزدیک ۳۹۰۰۰ هکتار در کشور جنگل کاری شده و در زمینه تثبیت شنهای روان مساحتی بالغ بر ۸۰۰۰۰۰ هکتار مورد نهال کاری و بندر کاری قرار گرفته است. علاوه بر میلیونها نهالی که تاکنون کاشته شده است، در ظرف چند سال آینده متجاوز از ۵۰ میلیون نهال تازه کشت خواهد شد و برای جبران درختهایی که به منظور تأمین بیش از یک میلیون متر مکعب چوب و دویست هزار تن ذغال مورد نیاز کشور سالانه بریده می شود در بازسازی جنگلها اقدامات کافی



انجام خواهد گرفت.

با بودن تقریباً ۱۲۰ میلیون هکتار جنگل و مرتع در اختیار دولت، علاوه بر فراهم شدن امکانات اجرای برنامه‌های عمرانی و ایجاد یا احیاء جنگلها و پارکها، اراضی زیادی نیز به صورت بلاعوض برای ایجاد بیمارستانها، درمانگاهها، آموزشگاهها، راههای ارتباطی و مواصلاتی، ورزشگاهها، اردوگاههای جهانگردی، پلازها و شهرکها، در اختیار سازمان‌های دولتی و خصوصی و شهرداریها گذاشته شده است.

\*\*\*

منبع دیگری از ثروت طبیعی مملکت که طبق اصول انقلاب ملی اعلام شد، آبهای کشور بود. این اعلام بر اساس اصل دهم انقلاب در مردادماه ۲۵۲۷ انجام گرفت و به موجب آن کلیه آبهای دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و نهرها و جویبارها و دره‌ها و برکه‌ها و چشمه‌ها و آبهای معدنی و آبهای زیرزمینی، ثروت ملی به‌شمار آمد.

مسئله آب از آغاز تاریخ ایران یکی از مسائل حیاتی و اساسی این سرزمین و یکی از مهمترین عوامل محدودکننده توسعه اقتصادی بوده است. به طوری که نه فقط این عامل بر اقتصاد ملی اثر گذاشته بلکه تمام بافت تمدن و فرهنگ ایرانی تحت تأثیر آن قرار گرفته است. بسیاری از معتقدات مذهبی و اندیشه‌های فلسفی ایران کهن و بسیاری از سنن و موارث ملی



ما از مبارزه‌ای سرچشمه می‌گیرد که تقریباً به طور دائم میان مردم این سرزمین با خشکسالی و کم‌آبی در جریان است، و ضرورت پابمردی در این مبارزه ارزشهای ویژه‌ای را برای خصایص و اندیشه‌های معینی به وجود آورده است. نقش آب در زندگی و در اقتصاد ملت ایران به قدری حیاتی است که داریوش، شاهنشاه هخامنشی، در سنگنوشته معروف خود خشکسالی را همراه با دشمن و دروغ یکی از سه‌بلای بزرگی می‌شمارد که می‌باید خداوند کشورش را از آنها در امان دارد.

در چنین شرایطی، که با توجه به توسعه فوق‌العاده کشاورزی و صنعت ایران و در عین حال افزایش استفاده افراد از آب بر اثر پیشرفت‌های اقتصادی و بهداشتی، ضرورت حفظ هر قطره آب در کشور هر روز بیشتر احساس می‌شود، قسمت مهمی از آبهای مملکت بدون آنکه مورد استفاده قرار گیرد به هدر می‌رود. و از آن بدتر گاه از این راه مردابهایی به وجود می‌آید که پرورشگاه پشه مalaria و عوامل بیماریهای عفونی دیگر بود. با اعلام و اجرای اصل دهم انقلاب، در حل این مسئله دیرینه نیز مانند موارد دیگر به صورتی اصولی و قاطع اقدام گردید.

شاید ذکر چند رقم کلی برای نوجه به اهمیت حیاتی اشتراک و همکاری کامل ملی در جلوگیری از هدر رفتن حتی یک قطره آب لازم باشد. مقداری کسل ریزش‌های جوی در ایران بسته به خشکسالی یا فراوانی باران در سالهای مختلف، بین ۲۸۰ تا ۵۲۰ میلیارد مترمکعب در سال است که متوسط سالانه آن ۳۷۸



میلیارد مترمکعب می‌شود. با توجه به مساحت کشور این مقدار بطور متوسط معادل ۲۳۱ میلیمتر بارندگی سالانه است، و این رقم در مقایسه با حد متوسط بارندگی سالانه کره زمین که ۸۶۰ میلیمتر است از یک سو این حد نیز کمتر است.

از آبهای حاصل از نزولات آسمانی، ۲۷۵ میلیارد مترمکعب یعنی حدود ۷۳٪ آنها از طریق جنگلها و مراتع و دیمزارهای کشور به مصرف می‌رسند، و ۲۷٪ بقیه که معادل ۱۰۳ میلیارد متر مکعب می‌شود به صورت منابع آب سطحی (رودخانه‌ها) و منابع زیرزمینی در دسترس افراد قرار می‌گیرد. در وضع موجود معادل ۶۶۸ میلیارد مترمکعب در سال برای تأمین ۲۶۲ میلیارد مترمکعب مصارف مفید شهری و صنعتی و کشاورزی از منابع موجود برداشت می‌شود، و حدود ۷۶۸ میلیارد مترمکعب شامل مفادیر آب برگشتی و منابع استفاده نشده به صورت جریانهای سطحی و زیرزمینی به طرف دریای خزر و خلیج فارس و حوضچه‌های داخلی و خارجی جریان می‌یابد و از دسترس خارج می‌گردد.

مهمترین مشکلات طبیعی در امر آبیاری ایران، گذشته از کمی میزان نزولات جوی عبارتند از: توزیع نامتناسب زمانی و مکانی این ریزشها، بالا بودن تبخیر بر اثر زیادتی تعداد روزهای آفتابی و وزش بادهای موسمی، نامناسب بودن وضع زمین، شور شدن آبهای شیرین در نتیجه عبور آنها از خاکها و طبقات نمکی، فاصله زیاد منابع آب از محلهای مصرف. از این گذشته



مشکلات انسانی نیز در امر بهره‌برداری صحیح از منابع آب وجود دارد که مهمترین آنها هدر رفتن آب در کشاورزی سنتی، کمبود آمار و اطلاعات، زیادتی وسعت کشور، و کمبود کادر ورزیده و متخصص است.

در اصل دهم انقلاب ایران کسلیه جنبه‌های اقتصادی، کشاورزی، امکانات علمی توسعه امور آبادانی، جلوگیری از سوجدویی خصوصی در مورد این ماده حیاتی، و اعمال مدیریت صحیح در اداره و حل مسائل و مشکلات مربوط به آن مورد توجه قرار گرفت. آبهای سطحی رودخانه‌ها و دشتهای عمده آبرفتی کشور، از نظر شناسایی آبهای زیرزمینی بررسی شد. به علاوه از شش سال پیش درباره امکان استفاده از آبهای موجود در تشکیلات آهکی زیرزمینی تحقیقات وسیعی انجام گرفته که به نتایج رضایت بخش منجر شده است.

در جهت مهار کردن آبهای سطحی، هشت سد ساخته شده و بدین ترتیب با احتساب پنج سدی که بعد از ۲۸ امرداد ۲۵۱۲ ساخته شده بود تعداد سدهای مخزنی ایران به ۱۳ رسیده است. با احداث این سدها و شبکه‌های نوین آبیاری که در پایین دست آنها ساخته شد، کشاورزی نوین پایه‌گذاری گردید و کشاورزی سنتی در زمینهای زیر کشت پایین این سدها به صورت کشاورزی جدید درآمد، و اراضی تازه‌ای به زیر کشت رفت. این ۱۳ سد با ظرفیت تقریبی ۱۳ میلیارد مترمکعب می‌توانند در حدود ۸۰۰،۰۰۰ هکتار زمین را به طور منظم آبیاری کنند که نزدیک به نیمی از آن



اراضی زیر کشت قبلی است که با روشهای سنتی و به‌طور نامنظم آبیاری می‌شد، و نیم دیگر زمینهایی است که تازه به‌زیر کشت می‌رود. این سدها علاوه بر تأمین آب قادرند ۱۸۰۴۰۰۰ کیلووات برق تولید کنند. پنج سد مخزنی دیگر هم‌اکنون در دست ساختمان است که با احداث و تکمیل آنها ۱۲۷۰۰۰ هکتار زمین به‌طور منظم آبیاری خواهد شد و ۹۷۰۰۰ کیلووات به‌قدرت برق آبی کشور افزوده خواهد گشت. ساختمان چهار سد دیگر نیز در دست مطالعه است. لازم به‌تذکر است که به‌منظور انحراف آب به‌داخل زمینها در سطحی بالاتر از سطح رودخانه‌ها، تاکنون ۲۸ سد انحرافی ساخته شده است.

با توجه به‌افزایش جمعیت ایران و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، استفاده صحیح از منابع آب طبعاً روز‌به‌روز اهمیت حیاتی‌تری پیدا می‌کند. فعالیت‌های وسیع کشاورزی که نتیجه منطقی اصلاحات ارضی و نظام جدید کشاورزی ایران است، و ایجاد صنایع ذوب‌آهن و پتروشیمی و توسعه صنعت برق، نیاز روزافزون به‌آب و ارزش همه‌جانبه آن را در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی محسوس‌تر کرده است. به‌خصوص با توجه به‌اینکه از منابع آب و سدهای ایران می‌توان در حدود ۵۰ میلیارد کیلووات ساعت انرژی برق تهیه کرد.

بر اساس مطالعاتی که در قالب برنامه جامع آب کشور انجام شده است، با امکانات توسعه سطح زیر کشت کشور در ارتباط با بهره‌برداری بیشتر از منابع آب در دوران بیست ساله آینده



(مشروط بر آنکه طرحهای پیش‌بینی شده به‌موقع به‌مرحله اجرا گذارده شوند). سطح زیر کشت آبی از ۳۷ میلیون هکتار در وضع موجود افزایش فراوان خواهد یافت و امکان آن هست که تا ۱۵ میلیون هکتار آبیاری شود.

اگرچه در مجموع، منابع موجود آب کشور در مقایسه با نیازهای فعلی و آینده مقدار قابل ملاحظه‌ای است، ولی نکته‌ای که از نظر توسعه آینده سطح زیر کشت آبی کشور حایز اهمیت است توزیع نامتناسب مکانی منابع آب و خاک است. زیرا در پاره‌ای مناطق منابع آب در مقایسه با سطح قابل کشت بیش از نیازها بوده و در مناطق دیگر کمبودهایی وجود دارد. هر چند با اجرای طرحهای انتقال آب از یک حوضه به‌یک حوضه دیگر تا حدودی کمبود منابع جبران خواهد شد، ولی در بیشتر موارد به‌علت فواصل زیاد انتقال و موانع طبیعی، اجرای طرحهای انتقال بین حوضه‌ای از نظر فنی و اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود. به‌ر حال تعیین حد نهایی توسعه سطح زیر کشت آبی کشور باید بر مبنای بررسی چگونگی توزیع آب و خاک نسبت به‌هم انجام گیرد، و این بررسی هم‌اکنون در جریان است.



مسئله آب تا حد زیادی با موضوع نیرو نیز مربوط است. زیرا سدهای مختلف از منابع اساسی تهیه برق آبی هستند. با ایجاد یک شبکه پیوسته برای انتقال نیرو از مراکز عمده تولید



به مراکز عمده مصرف به نسبت نیازمندیهای هر منطقه نیروی لازم تأمین خواهد شد.

برای انتقال نیروی برق تولیدشده در نیروگاههای بسزرگ حرارتی و نیروگاههای برق آبی به مراکز عمده کشور به وسیله شبکه سراسری برق و با خطوط انتقال فشار قوی و فوق فشار قوی، در حال حاضر مراکز تولید و مصرف در استانها و مناطق تهران، خوزستان، غرب کشور، مازندران، گیلان و آذربایجان به هم متصل شده اند. خطوط انتقال منطقه ای جنوب شرقی و خراسان نیز مورد بهره برداری است، و انتظار می رود تا پایان برنامه ششم عمرانی کلیه مراکز عمده تولید و مصرف به هم اتصال یابند.

ظرفیت کل نیروگاههای نصب شده کشور که در آغاز انقلاب ۸۵۰ مگاوات بود، در حال حاضر به بیش از ۷۵۰۰ مگاوات و مقدار تولید کل آنها در همین مدت از ۲۳۳۸ میلیون کیلووات ساعت به بیش از ۲۰ میلیارد کیلووات ساعت رسیده است. تولید سرانه برق که در آخر برنامه سوم عمرانی ۱۵۴ کیلووات ساعت بود در پایان برنامه ششم به حدود ۱۵۰۰ کیلووات ساعت بالغ خواهد شد.

به تدریج که نیروگاههای بزرگ در سراسر کشور ایجاد شوند، با توجه به وسعت مملکت و فواصل زیاد شهرها با مراکز تولید، طرح خطوط انتقال با ولتاژهای خیلی زیاد ضرورت می یابد. در این مورد بهره برداری از خطوط انتقال نیروی برق ۴۰۰ کیلوولتی آغاز شده است، و پیش بینی شده است که مطالعات لازم

برای استفاده از خطوط انتقال ۷۵۰ کیلوولتی و خطوط انتقال جریان مستقیم نیز انجام گیرد.

در عین حال، با توجه به پایان پذیری منابع فسیلی (که نفت مهمترین آنهاست) و امکانات کاربرد انحصاری این منابع در صنایع پتروشیمی، برنامه درازمدت انرژی کشور طرح ریزی شده است. در این برنامه به منظور صرفه جویی در مصرف منابع فسیلی نقش مهمی برای انرژی هسته ای در الگوی انرژی کشور در نظر گرفته شده و به علاوه استفاده از انرژی سدها و پمپهای ذخیره ای و سایر انواع انرژیهای نو شناخته از قبیل انرژی خورشید و ژئوترمال و انرژی باد و جزرومد دریا و هیدروژن و غیره مورد تأکید خاص واقع شده است.

با در نظر گرفتن ارزش واقعی نفت و موقعیت آبی آن در بازارهای جهان، در برنامه ریزی تولید برق در نظر گرفته شده است که با استفاده از انرژی هسته ای نسبت به نصب و بهره برداری از نیروگاههای اتمی و نیز از کلیه امکانات و ظرفیتهای قابل حصول انرژی آبی رودخانه های کشور بویژه رود کارون حداکثر استفاده برای تولید برق به عمل آید. در حال حاضر دو نیروگاه برق اتمی توسط سازمان انرژی اتمی ایران در دست ساختمان است که بهره برداری از آنها با ظرفیت ۲۴۰۰ مگاوات تا چند سال دیگر آغاز خواهد شد، و مقدمات ایجاد چند نیروگاه اتمی دیگر نیز فراهم شده است.

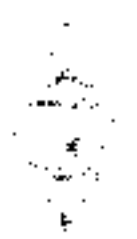


## امور کار و کارگری

دو اصل چهارم و سیزدهم انقلاب مربوط به امور کار و کارگری و واحدهای صنعتی و تولیدی کشور است. این دو اصل، مانند اصل اصلاحات ارضی و دیگر اصول مربوط بدان از ارکان انقلاب ایران به شمار می‌رود.

اعلام و اجرای اصل چهارم یعنی سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی سرآغاز عصر تازه‌ای در فتنه و کار و صنعت در ایران بود. اجرای قانون سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی و صنعتی با استقرار نظام منطقی در روابط کارگر و کارفرما زمینه مساعدی برای ایجاد واحدهای تولیدی و صنعتی بزرگ ایجاد کرد. با گشایش کارخانه‌های عظیم ذوب آهن و ابزار سازی و آلومینیوم و تراکتورسازی و مجتمع‌های پتروشیمی و دیگر صنایع بزرگ، نیروی شاغل در بخش صنعت از مرز یک میلیون نفر گذشت. همچنین افزایش شایان توجهی در تعداد مهندسان و تکنسین‌ها و کارگران ماهر حاصل شد.

در شرایط تازه، طبق قانونی، از کارفرمایان واحدهای تولیدی و صنعتی خواسته شد که پیمانهای جامع با کارگران با توجه به دستمزد، تولید، انگیزه کار و عوامل مختلف دیگر امضاء کنند. بر اساس پیمانهای دسته‌جمعی مربوط به سهم شدن کارگران در منافع کارگاهها که بر پایه بهره‌وری منعقد شده است.



روشهای افزایش تولید و کاهش ضایعات و توجه به بهره‌وری کارگران ملاک عمل قرار گرفته و حق‌السهم کارگران به نسبت مشارکت و میزان کارایی آنان در فعالیتهای تولیدی کارگاه مربوطه پرداخت شده است. نتایج در سال گذشته ۵۲۰۰۰ نفر از کارگران بخش دولتی و بخش خصوصی، با دریافت حدود ۱۲ میلیارد ریال در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی سهم شده‌اند. رقم کلی سودویژه‌ای که به کارگران کشور پرداخت شده، در طول ۱۴ سال ۱۲۸ برابر شده است.

سیاست کار بر سه اصل کلی مبتنی است:

۱ - سیاست اشتغال، با این هدف که هر کارگر ایرانی اولاً بتواند از یک شغل مولد برخوردار شود، ثانیاً از یک حمایت منطقی در زمینه ثبات شغلی بهره‌مند باشد، بدین معنی که در مقابل از دست دادن کار تأمین کافی داشته باشد و در صورتی که کار خود را به علتی از دست بدهد تا سرحد امکان وسایل ادامه کار برای وی در شغل دیگری فراهم گردد. به همین منظور شبکه وسیع مراکز کاریابی و اشتغال ایجاد شده است که تعداد آنها اکنون به یکصد مرکز رسیده است و تا پایان برنامه عمرانی ششم این رقم به ۲۵۰ بالغ خواهد شد. در صورتیکه با همه اینها موردی پیش بیاید که کارگر بدون تقصیر و به طور غیرارادی برای مدتی بیکار بماند، بیمه بیکاری از او حمایت خواهد کرد.

۲ - سیاست مزد که بر اساس آن حداقل مزد کارگر ساده با توجه به نیازهای ضروری و هزینه زندگی برای مناطق و صنایع



مختلف کشور هر سال یکبار تعیین می‌شود. به علاوه یک نظام مزدی در کارگاهها بر اساس وظایف و ارزش هر شغل و شرایط احراز آن برقرار می‌گردد. نظام طبقه‌بندی مشاغل در کارگاهها ماهیت اجباری دارد و از این نظر یک ابتکار خاص و جالب در سیاست مزد است.

۳ - سیاست بهره‌وری، که به موجب آن عامل بهره‌وری بیش از پیش در تعیین یا افزایش مزد کارگران مورد نظر قرار می‌گیرد و کوشش می‌شود که بین این دو رابطه مستقیم برقرار گردد، زیرا پیشرفت اقتصادی ایران ایجاب می‌کند که صنایع ما از نظر بهره‌وری در سطح رقابت با کشورهای پیشرفته صنعتی قرار گیرند. از طرف دیگر افزایش بهره‌وری کارگران به ازدیاد درآمد و ارتقاء سطح زندگی آنان کمک می‌کند. بررسی انگیزه‌های افزایش بهره‌وری نزد کارگران نشان داده است که یکی از مهمترین این انگیزه‌ها ایجاد ارتباط بین مزد و بهره‌وری است، بدین معنی که پرداخت دستمزد بر حسب نتایج کار صورت گیرد و در نتیجه با افزایش بهره‌وری کارگر دستمزد وی نیز افزایش یابد. در عین حال فرصتهایی که برای کارگران ایرانی در زمینه آموزش حرفه‌ای و افزایش مهارت فراهم شده است امکان ارتقاء کارگر را از یک طبقه شغلی به طبقه شغلی بالاتر و در نتیجه افزایش دستمزد وی را تأمین می‌کند. آموزش حرفه‌ای کوتاه‌مدت، در چهارچوب اصل دوازدهم انقلاب یعنی انقلاب آموزشی انجام می‌گیرد، و هدف کلی آن تجهیز منابع نیروی کار و رفع کمبود

کارگر ماهر و نیمه‌ماهر در کشور است. جوانانی که بی‌داشتن تخصص یا بدون اتمام تحصیلات حرفه‌ای وارد بازار کار می‌شوند، و کارگران شاغل برای فرا گرفتن تخصصهای مورد نیاز و افزایش مهارت، و کارگرانی که به منظور تغییر رشته کار خود لزوماً باید مهارتهای جدید کسب کنند، افرادی هستند که از این کارآموزی برخوردار می‌شوند.

در تمام این موارد حق افراد نسبت به آموزش و ایجاد این فرصت برای آنان که در هر وضع و شرایطی بتوانند از این حق استفاده کنند در نظر گرفته شده است. جوانانی که فرصت برخورداری از هیچ نوع آموزش حرفه‌ای را نداشته باشند می‌توانند با استفاده از این حقی که به آنان داده شده است در مراکز کارآموزی، مهارتی را که برای آن استعداد دارند فراگیرند. کارگرانی که دارای مهارت هستند نیز برای ارتقاء به مقام و رتبه‌ای بالاتر در کارگاه خود می‌توانند در مراکز کارآموزی برای افزایش مهارت خویش تحت آموزش قرار گیرند. اگر در برخی از صنایع نیروی کار اضافی و در بخشهای دیگر کمبود نیروی کار وجود داشته باشد، کارگران اضافی با فراگرفتن مهارتهای مورد نیاز در بخش‌های اخیر می‌توانند مجدداً به کار مشغول شوند. عامل بسیار مهمی که در همه این موارد دخالت دارد، و مستقیماً در تنظیم و تدوین قراردادهای دسته‌جمعی سهم‌شدن کارگران در سود کارخانه‌ها مؤثر است، گفت‌ووشنود مستمر در کارخانه‌ها و کارگاهها است. با این گفت‌ووشنودها کارگر بخوبی

می‌داند که در کارخانه او چه می‌گذرد، و از آنچه در سایر کارخانه‌ها و در محیط کار می‌گذرد نیز آگاه است، زیرا بدون چنین آگاهی نمی‌تواند در امر بستن قراردادها و دریافت ۲۰٪ سود اظهار نظر کند. اکنون نیز که در شرایط جدید خود او صاحب سهم کارخانه می‌شود، به علت تشکیل مجمع عمومی صاحبان سهام و توضیحاتی که باید در این مجمع داده شود بر جریان کار اطلاع می‌یابد و می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم درباره آن اظهار نظر کند. در عین حال وزارت کار طبق وظایف خود با کارگران به طور دائم تماس دارد، یعنی بین کارگر و دولت گفت‌وگوشنود منظم برقرار است.

همه این مقررات و ضوابط، متکی بر اصل حسن رابطه میان دو عامل اصلی تولید یعنی کار و سرمایه است که شرط تحقق آن ایجاد محیطی سرشار از صداقت و اعتماد و همکاری است. بر همین اساس بود که مقررات سهام‌کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی بر پایه حفظ و حمایت از سرمایه و در عین حال بر پایه حفظ و حمایت از نیروی کار و مشارکت آنان در دستاوردهای کارشان استوار گردید. چنین حمایتی در عین حال با برقراری ضوابط صحیح اقتصاد صنعتی محیط سالمی برای گسترش صنایع فراهم کرد و در نتیجه، تحقق این اصل از انقلاب به صورت انگیزه همکاری کارفرما و کارگر در راه تولید بیشتر و بهتر و در عین حال اهرم استواری برای توزیع عادلانه سود این تلاش مشترک در آمد.

### \*\*\*

با همه اینها، کوشش انقلابی در زمینه کار، و مشارکت کارگران و در عین حال کشاورزان و سایر مردم کشور در دستاوردهای توسعه اقتصادی و اجتماعی مملکت، در اجرای اصل چهارم انقلاب خلاصه نشد، زیرا در دو سال پیش اصل دیگری به عنوان سیزدهمین اصل انقلاب اعلام شد که گسترش مالکیت واحدهای صنعتی و تولیدی نام داشت، و مسلماً اعلام این اصل نقطه عطفی در تحول صنعتی کشور و عامل اساسی یک دگرگونی عمیق در روابط اقتصادی و اجتماعی ملی بود. مشارکت کارگران و دیگر مردم در سرمایه واحدهای تولیدی بزرگ بخش خصوصی و کارخانههای بخش دولتی، که حاصل اجرای این اصل انقلاب و یکی از پدیدههای اقتصادی بی‌سابقه و بی‌نظیر جهان است، نه فقط باعث توزیع عادلانه‌تر درآمد می‌شود و فضای کار و روابط کارگر و کارفرما را با تفاهم و همکاری بیشتری درمی‌آمیزد، بلکه باعث می‌شود که کارگر ایرانی دیگر خود را فقط عامل مولد ثروت محسوب نکند، بلکه در عین حال مالکیت قسمتی از واحدهای تولیدی مملکت را نیز داشته باشد. بدین ترتیب صنایع ایران با به کار گرفتن سرمایه‌ها و پس‌اندازهای کوچک و نیز با بهره‌گیری از علاقمندی عمومی به صنایع ملی، و همبستگی کارگر و کارفرما، از تمامی تلاشها و استعدادها در امر افزایش سطح تولید و بالا بردن مرغوبیت کالا و در نتیجه اعتلای قابلیت رقابت مصنوعات کشور بهره‌مند خواهند شد.





عادلانه بین عوامل تولید که ضامن تداوم رشد صنعتی کشور است، فرمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی صادر شد و برای اجرای آن قانون لازم به تصویب قوه مقننه رسید. به موجب این قانون و آیین نامه اجرایی آن کلیه واحدهای صنعتی و تولیدی کشور که پنج سال از تاریخ بهره برداری آنها گذشته باشد مکلفند سهام خود را در درجه اول به کارگران و کارکنان خویش و سپس به کارگران و کارمندان دیگر واحدهای تولیدی و کشاورزان و سایر مردم برای فروش عرضه کنند. به طوری که تا پایان مهرماه ۲۵۳۷ معادل ۹۹٪ سهام متعلق به دولت در واحدهای بخش دولتی (به استثنای صنایع مادر و بعضی از صنایع دیگر که طبق تشخیص دولت تمام یا قسمتی از آنها در دست دولت باقی خواهد ماند)، و ۴۹٪ سهام واحدهای بخش خصوصی بر اساس ضوابطی که به وسیله شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تعیین می شود، در اختیار مردم قرار گیرد. حفظ یک درصد سهام واحدهای بخش دولتی از طرف دولت فقط بدین منظور است که مدیریت دولت در گردش کار این واحدها محفوظ بماند. عرضه ۴۹٪ سهام در واحدهای بخش خصوصی نیز بر این اساس پیش بینی شده است که کسانی که برای ایجاد این واحدها سرمایه گذاری کرده و آنها را تا مرحله سودبخشی پیش برده اند همچنان اکثریت سهام آنها را در اختیار داشته باشند. تا در کادر مدیریت این واحدها پس از فروش سهام آنها مشکلی پیش نیاید. البته صاحبان سهام اکثریت مدیران لایق انتخاب خواهند کرد.

انگیزه اعلام این اصل، توجه بدین واقعیت بود که پیشرفت سریع کشور در راه صنعتی شدن، و سود بخشی فراوان سرمایه گذاری در واحدهای تولیدی و صنعتی که با تشویق و کمک دولت برای این نوع سرمایه گذاریها همراه بود، به تدریج راه برای پیدایش نوعی «فتودالیسم صنعتی» می گشود، که طبعاً نمی بایست جانشین «فتودالیسم ارضی» ملغی شده گردد. از طرف دیگر، اصل اقتصاد دموکراتیک به عنوان زیربنای اقتصادی انقلاب، ایجاب می کرد که هیچ گونه عامل استثمار در اقتصاد ایران دخالت نداشته باشد، خواه این استثمار به وسیله شخص یا به وسیله دولت و یا توسط دسته ای که مدافع یک اقلیت یا یکی از طبقات خاص اجتماع باشد انجام پذیرد. این احتمالی بود که با وضع اصل سیزدهم انقلاب به موقع راه بر آن بسته شد.

انگیزه دیگر اعلام این اصل، تسریع در پیشرفت صنعتی کشور از طریق بالا بردن تولید و بهره وری و افزایش میزان اشتغال و افزایش سطح درآمد ملی است. در این زمینه ارتقاء سطح درآمد کارگران و کشاورزان که سهم حیاتی در پیشرفت اقتصادی کشور به عهده دارند مورد تأکید خاص است. ولی البته این تأکید مهین توجه به بالا رفتن سطح زندگی سایر طبقات نیست. بر این مهینا، برای از بین بردن فواصل نامعقول درآمدها در بخش صنعت و پیشگیری از زیانهای ناشی از ایجاد «فتودالیسم صنعتی» که شرایط بالقوه آن از طریق تمرکز و تجمع سرمایه در واحدهای صنعتی فراهم می شود، و نیز به منظور ایجاد رابطه ای معقول و



اجرای این اصل طبعاً در امر توزیع عادلانه تر درآمدها و توسعه مشارکت عمومی در فعالیتهای اقتصادی تأثیر قاطع دارد. عرضه سهام واحدهای تولیدی به کارگران، آنان را مستقیماً در نتایج کوششهایشان سهیم می‌کند و افزایش تولید و بهبود در کیفیت آن را نیز به همراه می‌آورد. از طرف دیگر مشارکت کشاورزان در این امر که از طریق شرکتهای تعاونی روستایی و شرکتهای سهامی زراعی، یا مستقلاً صورت می‌گیرد، موجب پیدایش ارتباط مستقیم و سازنده بین فعالیتهای کشاورزی و صنعتی می‌شود.

در اجرای این اصل از انقلاب، تاکنون سهام ۱۵۳ واحد تولیدی کشور که قبل از اجرای قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی در اختیار تعداد محدودی سهامدار عمده بود، در اختیار بیش از ۱۶۳۰۰۰ کارگر و کشاورز قرار گرفته است، و پیش‌بینی می‌شود که تا پایان مهرماه ۲۵۳۷، روبه‌هم ۳۲۰ واحد تولیدی بزرگ ۴۹٪ سهام خود را به ارزش تقریبی ۱۷۰ میلیارد ریال به کارگران و سایرین عرضه کنند. این مشارکت غالباً به کمک وامهایی که دولت به آنها می‌دهد عملی می‌شود. بدین ترتیب که کارگرانی که بیش از یک سال در یک واحد تولیدی مشمول قانون کار به کار مشغول بوده‌اند می‌توانند با اعتباری که سازمان مالی گسترش واحدهای تولیدی در اختیار آنها قرار می‌دهد تا حداکثر پانصد هزار ریال از سهام واحدهای تولیدی مذکور و یا هر واحد تولیدی مشمول قانون را خریداری نمایند. بازپرداخت این



اعتبار بایستی حداکثر ظرف ده سال از محل سود سهام بر طبق ضوابط مشخص انجام گیرد، و البته این بسدهی در هر موقع می‌تواند به صورت یکجا پرداخت شود. پیش‌بینی شده است که کارخانجات بتوانند از همان روز اول ۴۹٪ سهام را عرضه کنند. بدین ترتیب که دولت آنها را از کارخانه خریداری کند و سپس با همان شرایط کارخانه به کارگرواگذار نماید.

چنین مشارکتی، تحقق ثوری تازه‌ای است میان روش مارکسیسم که هیچ انگیزه جالبی برای خوب کار کردن به کارگر نمی‌دهد، و روش سرمایه‌داری صرف که به علت بهره‌کشی انسان به دست انسان فاقد ارزش اخلاقی است. در سیستم مشارکت مسا، کارگر هم مالک است و هم برای خودش کار می‌کند. سرمایه و ابتکارات خصوصی محترم شمرده می‌شود و در عین حال حقوق انسانی و اجتماعی کارگر نیز مورد حمایت کامل قرار می‌گیرد. وقتی که یک نفر جنبه «کارگر مالک» را داشته باشد، تضادهایی که هر یک از این دو جنبه را در صورت مجزا و مستقل آنها در بر می‌گیرد، دیگر انگیزه وجودی نخواهد داشت.

از طرف دیگر شریک‌شدن مردم در سهام کارخانه‌ها، سرمایه‌های تازه‌ای را چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی بسیج می‌کند، زیرا پولی که هر فرد بابت خرید سهام می‌پردازد به‌طور غیرمستقیم سرمایه‌گذاری مجددی در راه صنعتی کردن کشور است. از این طریق بی‌آنکه امکان پیدایش «غول»ها یا «امپراتوری»های صنعتی باشد، با بخش سهام میان



مردم پول اضافی آنها به صورتی شرافتمندانه و با نتایج مطلوب برای ایجاد صنایع تازه و تولید ثروت‌هایی گردآوری می‌شود که می‌باید حاصل آنها تدریجاً جای درآمد کنونی نفت را بگیرد.

\*\*\*

بدین ترتیب شرایط و محیط کار در جامعه کنونی ایران، بر اثر همکاری صمیمانه دولت و کارفرما و کارگر، و اجرای قوانین انقلابی کار و صنعت، از هر زمان دیگر در طول تاریخ کهن ایران مترقی‌تر و عالی‌تر است. با برخورداری از این شرایط اکنون طبقه کارگر ایرانی نه تنها در داخل جامعه خود از موقعیتی شایسته برخوردار است، بلکه در جامعه جهانی نیز از نظر حقوق و امتیازات قانونی و قوانین مترقی کار در صفوف مقدم جوامع پیشرفته قرار دارد.

در این زمینه طبعاً توجه به کیفیت کار اهمیت فراوان دارد، زیرا در دنیای امروز یکی از مهمترین وجوه امتیاز و ملامت پیشرفت جوامع درجه ترقی بهره‌وری و مدیریت و کفایت آنها در استفاده از پدیده‌ها و دستاوردهای دانش و تکنولوژی است. برای این کار باید کوشش شود که از نیروی ابتکار و استعداد های فردی کارگران حداکثر استفاده به عمل آید و امکانات لازم برای پرورش شخصیت و دانش آنان چه در محیط کار و چه در خارج از آن به نحو احسن در دسترس ایشان گذاشته شود.

برای تأمین این منظور، طرح جدید قانون کار که با توجه

به آخرین تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور تهیه شده، شرایط کار کارگران را در بیشتر زمینه‌ها مورد تجدید نظر قرار داده و ضوابطی تازه برای آن در نظر گرفته است که با مقتضیات و نیازهای آینده ایران سازگارتر خواهد بود. از طرف دیگر در مورد بیمه‌های کارگری و امور رفاهی و اجتماعی و ورزش و تربیت بدنی کارگران و خانواده‌های آنان اقدامات وسیعی در جریان است. هزاران کودک این خانواده‌ها در شیرخوارگاه‌ها مراقبت می‌شوند، و در عین حال اندرزگاه‌های خاصی آنها را در مورد امور خانواده و بهداشت و آموزش راهنمایی می‌کنند و بدانان مهارت‌های گوناگون از قبیل کارهای دستی و دوزندگی و آشپزی و غیره می‌آموزند. تعاونیهای مصرف مواد غذایی و دیگر کالاهای مورد نیاز را با قیمت‌های نازلتر در دسترس آنان می‌گذارند. تعاونیهای اعتبار و مسکن نیز نیازمندیهای آنان را از این حیث تأمین می‌کنند و به‌خصوص بانک رفاه کارگران برای تهیه مسکن و دیگر امور ضروری بدانان وام کم‌بهره می‌پردازد.

در سالهای اخیر در حدود ۲۵۰ باشگاه ورزشی برای کارگران در تهران و شهرستانها ایجاد شده است. دو اردوگاه بزرگ تابستانی در کرانه دریای خزر مورد استفاده ده‌ها هزار کارگر و خانواده‌های آنهاست. ایجاد تدریجی تعداد بیشتری از اردوگاهها و استراحتگاهها در مناطق خوش آب‌وهوا به منظور استفاده بهتر کارگران از مرخصی‌های سالانه، قسمتی از طرحهای در دست اجراست.

## تعمیم دموکراسی

پنجمین اصل انقلاب، یعنی اصلاح قانون انتخابات اکنون به طور کامل عملی شده است. اعلام و اجرای این اصل در آغاز انقلاب از نظر تعمیم دموکراسی و تأمین شرکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت خودشان اهمیتی اساسی داشت. مهمترین دستاورد این اصل شرکت زنان ایران در انتخابات در شرایط حقوقی کاملاً مساوی با مردان بود. ولی تغییرات مهم دیگر در قوانین انتخاباتی و تدوین قانون، تشکیل انجمن‌های استان و شهرستان و انجمن‌های شهر و ده و قانون نظام صنفی و ایجاد شوراهای آموزش و بهداشتی نیز نتایج دیگری بود که این اصل به طور مستقیم یا غیرمستقیم به همراه آورد.

با اعطای حق رأی به همگان، نظام پارلمانی ایران که تا قبل از انقلاب، پارلمان ایران را عملاً به صورت یک باشگاه خصوصی ثروتمندان و متنفذان درآورده بود، برپایه بسیار وسیعتر و مترقی‌تری استوار گردید. زنان ایران که نقش سازنده آنان در اجتماع امروز ایران نقشی فعال و مثبت و احترام‌انگیز است، از آن پس در تمام شئون حیات ملی شرکت جستند و به مقاماتی چون وزارت، سفارت، نمایندگی مجلسین، استادی دانشگاهها، قضاوت، وکالت دادگستری، شهرداری، مدیریت شرکتها و مقامات حساس متعدد دیگر رسیدند. حتی زنان افسر و درجات پایین‌تر در نیروهای مسلح مشغول کار هستند.

مشارکت ملی در همه امور مملکتی و حکومت مردم بر مردم اکنون در همه سطوح زندگی اجتماعی از پایین‌ترین تا بالاترین سطح تحقق یافته است. مردم ایران آزادانه نمایندگان خود را در تعاونی‌ها، شوراهای ده، خانه‌های انصاف، انجمن‌های شهر و شهرستان و شوراهای داوری انتخاب می‌کنند، و در مرحله بالاتر، یعنی در رأی‌گیری حزبی، و رأی‌گیری برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا نیز، که برای هر کرسی آنها چندین نفر نامزد معرفی می‌شوند، مستقیماً شرکت دارند. از طرف دیگر در اظهار نظریات خود از راه سازمانهای حزبی و از راه وسایل خبری از آزادی کامل برخوردارند. منطقی‌ترین کاملترین نوع دموکراسی است که می‌تواند وجود داشته باشد.

بررسی تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات پارلمانی و نسبت آنها به کل جمعیت فعال کشور نشان داده است که تعمیم این سیستم دموکراتیک چه تأثیر مثبت و عمیق اجتماعی داشته و تا چه اندازه حس مشارکت عمومی را در امور کشور تقویت کرده است. این نسبت طبق آمار رسمی، در انتخابات ادوار بیست و یکم تا بیست و چهارم قانونگذاری به ترتیب ۲۶٫۴٪ و ۴۱٪ و ۴۴٫۵٪ افزایش نشان می‌دهد. تعداد مطلق آراء که در چهار دوره قبل ۱۰۳۶۸۳ و ۱۰۳۶۸۳ و ۱۰۳۶۸۳ و ۱۰۳۶۸۳ بوده در آخرین دوره انتخابات به ۵۱۰۳۶۸۳ بالغ شده است.



برنامه‌های آینده آن ضروری است.

هنگامی که سپاه دانش کار خود را آغاز کرد، در ترکیب جمعیت ایران ۷۰٪ مردم روستایی و ۳۰ درصد شهرنشین بودند. ولی از نظر آموزش و فرهنگ این نسبت وضعی به‌کلی متفوق داشت. بدین معنی که طبق آمار فقط ۲۴٪ از کودکان روستایی که به‌سن تحصیل رسیده بودند امکان رفتن به دبستان را داشتند و برای بقیه آنان وسایل و امکانات لازم در این زمینه فراهم نبود. سرشماری سال ۲۵۱۵ نشان می‌داد که تنها ۱۴٫۹٪ جمعیت کشور از ده سال به‌بالا باسواد بودند. در سال آغاز انقلاب، با توجه به درصد اطفال لازم‌التعلیم می‌بایست در حدود ۴ میلیون نفر نوآموزان در دبستانهای ایران مشغول تحصیل باشند، در صورتی که طبق آمار فقط ۱٫۷۲۰٫۰۰۰ نفر از آنان به تحصیل اشتغال داشتند. بدین ترتیب با همه کوششهایی که در سطح مملکتی انجام می‌گرفت هنوز در حدود ۲٫۳ میلیون نفر کودک لازم‌التعلیم نتوانسته بودند به دبستان راه یابند.

از هنگام اجرای اصول انقلاب تلاش پیگیر و منظمی در همه سطوح مملکتی برای گسترش آموزش به سراسر کشور آغاز شد، که فعالیت سپاهیان دانش (که تاکنون شامل ۲۹ دوره سپاه پسران و ۱۸ دوره سپاه دختران بوده و تعداد کلی آنها در سال گذشته از مرز یکصد هزار نفر گذشته است)، قسمتی از این برنامه‌های کلی آموزشی مملکت بود. با اجرای این برنامه‌ها، تعداد دانش‌آموزان کشور از آغاز انقلاب تا کنون از حدود ۱٫۵ میلیون نفر به حدود

## آموزش

به اصل از اصول انقلاب، یعنی اصول ششم و دوازدهم و پانزدهم، ناظر به امور آموزشی است. این نشانی گویا از اهمیت خاصی است که انقلاب ایران برای امر آموزش و پرورش قایل است.

نخستین این اصول، اصل ششم است که به‌موجب آن «سپاه دانش» ایران به‌منظور گسترش سوادآموزی در روستاهای کشور به‌وجود آمده است. این سپاه یکی از سپاههای سه‌گانه انقلاب است که شاید نیازی به هیچ‌گونه توضیح و تفسیر درباره اهمیت نقش انقلابی آنان در پیشبرد نهضت سازندگی ایران امروز نباشد، زیرا اکنون سالهاست که کار این سپاهیان انقلاب ایران نه تنها در داخل کشور ما بلکه در صحنه جهانی نیز به‌صورت حماسه انسانی غرورانگیزی درآمده است. جوانانی که با عنوان پرافتخار سپاهیان انقلاب، دانش و تندرستی و آبادانی را با خود به روستاهای دور و نزدیک کشور برده‌اند، از شایسته‌ترین پاسداران آن ارزشهای جاودان ایرانی هستند که زیربنای انقلاب امروز ایران و تمدن بزرگ فردای آن است.

بنابراین، در این مبحث از توضیح در مورد ماهیت سپاه دانش (که قبلاً در کتاب انقلاب سفید به تفصیل مورد تحلیل قرار گرفته است)، صرف‌نظر می‌کنیم و فقط به‌ذکر توضیحاتی می‌پردازیم که از نظر تحلیل کلی فعالیت‌های آموزشی پسران امروز و



۸۵ میلیون نفر رسیده یعنی رشدی معادل ۵۶٪ داشته است. این افزایش به خصوص در سطح آموزش عالی با آهنگی انجام گرفته است که در هیچ کشور دیگر نظیر ندارد.

از نظر تفکیکی، در این فاصله پانزده ساله تعداد کودکان کودکستانها رشدی معادل ۱۳۵۰ درصد، تعداد سوادآموزان مدارس سپاه دانش رشد ۶۹۲ درصد، تعداد دانش آموزان ابتدایی رشد ۵۶۰ درصد، تعداد شاگردان دوره های راهنمایی تحصیلی رشد ۲۶۳ درصد، تعداد دانش آموزان دبیرستانهای عمومی رشد ۳۳۱ درصد، تعداد هنرجویان مدارس فنی و حرفه ای رشد ۱۵۵۰ درصد داشته است. نسبت دانش آموزان ابتدایی در مناطق روستایی به کل دانش آموزان کشور، در این فاصله زمانی از ۳۹٫۴ درصد به ۵۲٫۸ درصد و نسبت اشتغال به تحصیل کودکان شش تا ده ساله از ۴۶٫۴ درصد به ۷۴٫۴ درصد رسیده است. تعداد مدارس کشور نیز در این مدت ۳۲۴ درصد افزایش یافته است.

بررسیهای انجام شده، ادامه منظم این رشد را در همه سطوح برای سالهای آینده پیش بینی می کند، و این واقعیتی است که پاسخگویی بدان سنگین ترین وظیفه دستگاه آموزشی کشور است. طبق برآوردهایی که شده، تعداد محصلین مملکت در سطوح مختلف تحصیلی که اکنون ۹۱۲۰۰۰۰ نفر است در پایان برنامه عمرانی ششم به ۱۳۷۳۰۰۰۰ نفر خواهد رسید، منجمله تعداد نوآموزان کودکتانی که در آغاز برنامه پنجم فقط ۴۱۰۰۰۰ نفر بود، یعنی ۴۳٪ از کل کودکان را در سن ورود به کودکتان



تشکیل می داد، در پایان برنامه ششم ۸۵۵،۰۰۰ نفر یعنی ۶۸٫۳٪ آنها خواهد بود.

تعداد دانش آموزان دوره ابتدایی که در اولین سال تحصیلی برنامه پنجم ۶۶٫۴٪ از کل کودکان لازم التعلیم شش تا ده ساله کشور بود، در پایان برنامه ششم به ۶۶٫۴۶۰۰۰ نفر یعنی ۹۲٫۳٪ آنها خواهد رسید. در همین مدت تعداد دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی از ۹۰۶،۰۰۰ نفر به ۲۶۰۵،۰۰۰ نفر، تعداد دانش آموزان دوره دبیرستانی از ۲۴۷،۰۰۰ نفر به ۱۷۵۲،۰۰۰ نفر، تعداد هنرجویان مدارس فنی و حرفه ای از ۸۰،۰۰۰ نفر به ۵۵۰،۰۰۰ نفر و تعداد فارغ التحصیلان دبیرستان از ۸۱،۰۰۰ نفر به ۳۱۰،۰۰۰ نفر بالغ خواهد شد.

در اجرای کلی برنامه های آموزشی کشور، گذشته از مراکز رسمی آموزشی از سطح کودکتان تا دانشگاه، سازمانها و مراکز متعدد دیگری نیز به غیر از مدارس سپاه دانش به تناسب نیازهایی که به فعالیت آنها وجود دارد، مشغول کارند. به اضافه از راه مدارهای ویژه ماهواره ای و تلویزیون آموزشی در گسترش آموزش به سراسر کشور کوشش می شود و خواهد شد. یکی از این سازمانها دوره های تحصیلی آموزش بزرگسالان است که امکانات تحصیل در دوره های مختلف آموزشی را برای نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۳۵ ساله که قبلاً نتوانسته اند به مدرسه بروند فراهم می سازد. در این دوره ها محصلین می توانند در مراکز سوادآموزی حرفه ای و کلاسهای تکمیلی سوادآموزی حرفه ای تا تحصیلاتی



معادل دوره متوسطه در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای به‌ادامه تحصیل بپردازند.

برای فراهم آوردن وسایل سوادآموزی تحصیل آن دسته از مردم کشور که زندگی عشایری دارند و مدتی از سال را به کوچ‌نشینی می‌گذرانند، اداره کل آموزش عشایری ایجاد شده است که عمده فعالیت‌های آن همراه با نقل و انتقال ایل‌نشینان در بیابانها و کوهستانها و زیر چادرها انجام می‌گیرد. این اداره گسترش سواد و تحصیل را در تمام نقاط ایل‌نشین کشور به‌عهده دارد و ضمناً به‌فرزندان ایل‌نشینان رشته‌های فنی و حرفه‌ای را تعلیم می‌دهد.

برای تعلیم کودکان استثنایی نیز برنامه‌هایی اجرا می‌شود که طبق ضوابط معینی هر دو دسته اطفال پیشرفته و اطفال عقب افتاده ذهنی را در بر می‌گیرد.

قسمت دیگری از فعالیت‌های آموزشی، توسط کمیته ملی پیکار با بیسوادی انجام می‌گیرد که از سال گذشته اجرای طرح وسیع تازه آن به‌نام «جهاد ملی سوادآموزی» آغاز شده است. در برنامه‌های این نهضت، حد سوادآموزی از معیار گذشته یعنی آموزش خواندن و نوشتن و حساب کردن بالاتر می‌رود و ابعاد مختلف زندگی بزرگسالان را بر حسب هدفها و اولویتهای اجتماعی و اقتصادی ملی و در عین حال نیازها و علایق مردم در بر می‌گیرد. هدف این کوشش آن است که منتها تا ده سال دیگر میزان بیسوادی در گروه سنی مورد عمل این برنامه به ۱۵٪ که



طبق بررسی‌های بین‌المللی حد مطلوب برای عدم قطعی بازگشت بیسوادی به‌یک جامعه است کاهش داده شود. در این مورد چهار برنامه مجزا برای خردسالان، شهر وندان، زنان روستایی و مردان روستایی در دست اجراست.

طبق آماري که از طرف کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی تهیه شده، تنها در سال گذشته ۷۲۴/۶۳۸ نفر در ۲۶/۰۰۰ کلاس شهری و روستایی این کمیته به‌سواد آموزی اشتغال داشته‌اند. این تعلیم زیر نظر ۹/۲۵۹ کمیته محلی سوادآموزی توسط ۲۰/۹۷۸ آموزشیار زن و مرد صورت گرفته است.

تذکر این نکته لازم است که به‌موازات توسعه مراکز آموزشی کلی، به‌توسعه مدارس علوم دینی توجه خاص شده است. این موضوع در آینده نیز همواره مورد توجه کامل خواهد بود، زیرا تقویت و تحکیم مبانی دینی و آگاهی هر چه بیشتر عمومی در این زمینه از ضروریات قوام و استحکام جامعه است.

اهمیت سهم آموزش در نظام نوین ایران، از سرمایه‌گذاری‌هایی که در برنامه‌های مختلف عمرانی کشور بدان اختصاص یافته است روشن می‌شود. این سرمایه‌گذاری در برنامه عمرانی سوم که شروع آن همزمان با آغاز انقلاب بود ۴۵ میلیارد ریال بود و در برنامه چهارم به ۱۷۲ میلیارد ریال رسید. در برنامه پنجم این رقم به ۵۵۱ میلیارد بالغ شد و طبق پیش‌بینی‌های مقدماتی در برنامه ششم به ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ میلیارد ریال خواهد رسید.

\*\*\*

توضیحات و ارقام کلی فوق، نمایانگر جهش آموزشی کشور در دوران پانزده سال انقلاب از نظر ماهیت و کمیت آن است. ولی جنبه کیفیت این جهش آموزشی به همان اندازه پیشرفت کمی آن شایان تذکر است، زیرا مسلم است که برای پیشرفت واقعی آموزش کشور، می‌باید گسترش کمیت با تحول و پیشرفت بنیادی در کیفیت آموزش همراه باشد، و این واقعیتی است که قسمتی از اصل دوازدهم انقلاب یعنی اصل «انقلاب اداری و آموزشی» بر پایه آن پی‌ریزی شده است.

در اجرای این اصل، استقرار یک «نظام آموزشی» مشخص و همه جانبه در کشور ضروری تشخیص داده شد. این موضوع نخستین بار در کنفرانس آموزشی رامسر در امرداد ماه ۲۵۲۷ زیر نظر خود من مورد بررسی قرار گرفت و بدین ترتیب این کنفرانس به صورت نقطه عطفی در تحول آموزشی کشور درآمد. در پایان این کنفرانس برنامه‌های کلی این تحول طی سندی که «منشور انقلاب آموزشی» نام گرفت مشخص شد و برای اولین بار هدفهای آموزشی کشور روشن گردید.

هدف از انقلاب آموزشی در مرحله اول این است که وسایل تربیت کلیه افراد و طبقات ملت ایران به‌طور همه جانبه فراهم گردد، تا در ایران آینده مسئولان هر کار و وظیفه‌ای چه از نظر صلاحیت علمی و تخصصی و چه از نظر شایستگی اخلاقی و روحی، واقعاً شایسته ایفای این وظایف و مسئولیتها باشند، یعنی

نه فقط با رموز دانش و فن آشنا باشند، بلکه این دانش را با بینش و با ارزشهای بزرگ انسانی نیز در آمیخته باشند.

مواد اول تا دوازدهم منشور رامسر مبین اصول و هدفهای انقلاب آموزشی است که می‌باید در اجرای آنها نیازمندیهای اجتماعی ایران در سالهای آینده پیش‌بینی شود و طرح ریزیهای آموزشی با آخرین روشهای علمی و فنی هماهنگ گردد. بقیه مواد این منشور به توجیه آثار آموزش ابتدایی و متوسطه و نقش دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی اختصاص یافته است.

بر اساس اصول این منشور و با توجه به نیازهای اقتصادی و اجتماعی امروز و فردای ایران اقدام به طرح ریزی نظام آموزشی شد، به طوری که این نظام از یک سو زمینه پیشرفت اقتصادی و تأمین نیروی انسانی لازم و صالح را برای تأمین رشد مستمر کشور فراهم سازد، و از سوی دیگر حافظ ارزشها و اصالتهای ملی و فرهنگی ایرانی باشد. چنین برنامه‌ریزی مسلماً با پیروی صرف از راه و رسم‌هایی که نسبت به شرایط و مقتضیات خاص جامعه ایرانی بیگانه است مقدور نبود، و می‌بایست در این راه، این نظام آموزشی مانند خود انقلاب ایران از شرایط و نیازها و روحیات و ارزشهای خاص ملی مایه گیرد.

دوران دهه انقلاب آموزشی مقارن با جهش بسیار سریع و بی‌سابقه اقتصاد کشور بود که یکی از نتایج آن گسترش تقسیم کار و نیاز روزافزون به تخصصها و مهارتهای گوناگون بود، و طبعاً این امر تنوع بخشیدن بیشتر به نظام آموزشی را ایجاب می‌کرد، در





تا هر چه زودتر جوابگوی نیازهای صنعت و خدمات کشاورزی مملکت شود.

(۲) نظام و روش مدیریت در دستگاه آموزشی کشور از راه واگذاری مسئولیتهای اداری و اجرایی و اختیار تصمیم‌گیری به استانها و شهرستانها و جلب مشارکت هر چه بیشتر معلمان و مردم در اداره امور آموزشی مورد تعدیل قرار گیرد.

(۳) آموزش متوسطه اعم از نظری و فنی و حرفه‌ای به نحوی اصلاح شود که با انعطافی زیادتر جوابگوی نیازهای جامعه ایران باشد و آموزش فنون و تعلیمات حرفه‌ای را بیشتر و سریعتر ممکن سازد.

(۴) تکنولوژی آموزشی به عنوان روشی در راه حل مشکلات آموزش مورد استفاده قرار گیرد تا برای چاره‌جویی این دشواریها راه‌حلهای مناسب ایرانی پیدا کند.

در مورد ارتقاء کیفیت آموزش نیز عوامل زیر در برنامه‌ریزیها مورد توجه قرار گرفت:

(۱) ایجاد امکانات بیشتر برای اشتغال به تحصیل در داخل کشور.

(۲) مرتبط ساختن آموزش عالی با تمام بخشهای اقتصادی و اجتماعی با توجه به نیازهای توسعه.

(۳) ارتقاء کیفیت کادر آموزشی و ایجاد مکانیسم ارزیابی آن.

(۴) آموزش علمی اعضای هیئتهای علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی.

این مورد تذکر این نکته کافی است که تعداد رشته‌های تحصیلی در کشور ما در ده‌ساله اخیر از حدود ۷۵ رشته به ۵۵۲ رشته افزایش یافته است.

به موازات این امر آموزش فرهنگ ملی نیز در سالهای اخیر در نظام آموزشی ایران بعد تازه‌ای یافت، متجمله شناخت بهتر نهادهای سیاسی و نهادهای اجتماعی کشور از هدفهای اساسی این نظام قرار گرفت. ولی البته مفهوم این موضوع عدم توجه به جنبه‌های دیگر فرهنگ ملی نیست.

از طرف دیگر، توسعه اقتصادی ایران و پیچیده شدن مسائل و تنوع نیازها در مناطق مختلف، ضرورت توجه به اصل عدم تمرکز را ثابت کرد، زیرا دیگر بنا وسعت و عظمت مسائل چاره‌جویی و جوابگویی همه آنها از جانب مرکز واحدی مقدور نبود. بدین جهت در نظام آموزشی اصل عدم تمرکز نخست به صورت استانی شدن بودجه و سپس به صورت تطبیق برنامه آموزشی با نیازمندیها و شرایط محل مطرح شد. از این دیدگاه رهنمودهای تازه‌ای در تحول آموزشی کشور بدین ترتیب در نظر گرفته شد:

(۱) چون نظام رسمی آموزش نمی‌تواند به سرعت پاسخگوی نیازهای بازار اقتصادی و اجتماعی کشور گردد، توجه به آموزشهای غیررسمی و خارج از نظام آموزشی ضروری است. از این نظر می‌باید انواع آموزشهای کوناه مدت و حرفه‌ای وابسته به سازمانهای دولتی و غیردولتی توسعه یابد و تسریع گردد



۵) ملزم کردن کادر آموزشی به تحقیق و درآمیختن آموزش با پژوهش.

۶) جهت گیری تخصصی دانشگاهها به نفع امکانات هر دانشگاه و شرایط محیط.

۷) تکیه بر آموزش چند جانی و آموزش بین رشته‌ای و ایجاد گروههای آموزشی در سطح دانشگاه به منظور افزایش بازده کادر آموزشی.

۸) توسعه آموزش میراثهای فرهنگی و علمی کشور و تکیه خاص بر آموزش زبان فارسی.

در آستانه انقلاب آموزشی، نظام آموزشی کشور تقریباً ۱۲٪ کل جمعیت را دربر می‌گرفت، و اکنون این نظام به‌عنوان گسترده‌ترین نهاد اجتماعی مملکت از نظر کمیت، حدود ۲۲٪ کل جمعیت را دربر گرفته است، بدین معنی که در حال حاضر ۲۲٪ از جمعیت کل کشور زیر پوشش سطوح مختلف آموزش قرار گرفته‌اند. این نسبت تا ده سال دیگر از ۳۰٪ نیز فزونی خواهد گرفت، یعنی در آن موقع نزدیک به یک سوم تمام جمعیت کشور در قلمرو نظام آموزشی به تحصیل اشتغال خواهند داشت. در نتیجه سهم افراد از ثروت علمی و فرهنگی کشور بیش از پیش افزایش خواهد یافت و بدین ترتیب نیروی انسانی فعال کمتری هزینه افراد زیر پوشش آموزش وسیعی را بردوش خواهد داشت. چنین وضعی ایجاب می‌کند که در ده سال آینده به کمک تکنولوژی پیشرفته و مهارتهای مختلف، قدرت تولید و بهره‌وری سرانه افراد



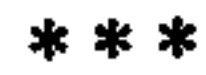
فعال به سرعت افزایش یابد تا بتوان هزینه‌های فزاینده آموزشی جمعیت غیرفعال را تحمل کرد.

در این راه، استعدادیابی دانش‌آموزان و دانشجویان و راهنمایی آنها به رشته‌های مطلوب کاملاً ضروری است، و شاید بهترین شیوه در این مورد پرس‌وجو از خود آنها باشد. بدین جهت اصل «گفت‌وشنود» یکی از اصول مهم انقلاب آموزشی منظور شده است. انقلاب واقعی در امر آموزش، البته با رعایت ضوابطی که باید از نظر روانشناسی و انسانی و از لحاظ فنی رعایت شود، می‌باید با همفکری و همکاری و گفت‌وگوی سازنده همه افراد شرکت کننده انجام گیرد، و شاید لازم به تذکر نباشد که اساس اخلاقی هر گفت‌وگویی از این قبیل، خدمت بیشتر به مصالح ملی و موازین میهنی است که زیربنای تحول و پیشرفت اصیل آموزشی و فرهنگی است.

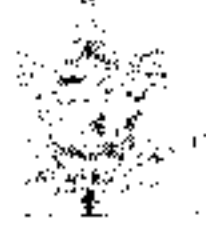
با آنکه نمی‌خواهم در حسن نیت و اصالت ذاتی هیچ فرد ایرانی، به خصوص دانش‌آموز و دانشجویی که خود را از راه تحصیل برای ورود به اجتماع و قبول مسؤلیتهای ملی و انسانی خویش آماده می‌کند تردید کرده باشم، یادآوری این نکته را ضروری می‌شمارم که معنی این گفت‌وشنود این نیست که خدای نکرده دانشجویی متوقع باشد که بدون احراز شرایط شایستگی تحصیلی گواهی چنین شایستگی را دریافت دارد، و به اصطلاح به جای دیپلم سواد «دیپلم بیسواد» بگیرد. ما این امید را در حد اعلائی آن برای هر کسی تأمین می‌کنیم که به تناسب لیاقت و



شایستگی که دارد به مقامی که در خور او هست برسد، اما اگر کسانی که امروز یا فردا از دستگاههای علمی کشور وارد اجتماع می‌شوند از دانش لازم و از احساسات عالی ملی و میهنی برخوردار نباشند، تکلیف کاری که به آنان سپرده می‌شود چه خواهد شد؟ و سرنوشت جامعه ایرانی در چنین شرایط چه خواهد بود؟ بر این اساس، همه کسانی که وظیفه مهم تعلیم و آموزش نسل جوان کشور را بعهده دارند، از دبستان گرفته تا دبیرستان و دانشگاه، باید توجه داشته باشند که هر گونه اغماضی در قضاوت آمادگی و شایستگی تحصیلی یک محصل، و هر گونه چشم‌پوشی یا سهل‌انگاری به نفع او، در حکم خیانت به مسئولیت ملی و اجتماعی طبقه معلم، خیانت به آینده خود جوانان و خیانت به جامعه و مملکت است. متأسفم که با وجود خشونت و سختی این کلمه، برای توصیف اهمیت چنین قصوری کلمه‌ای دیگر را جانشین آن نمی‌توان کرد.



اعلام انقلاب آموزشی و توجه به لزوم گسترش کامل سواد و تخصص، موجب اعلام اصل آموزشی رایگان و اجباری شد که اصل پانزدهم انقلاب ایران است. طبق این اصل، آموزش در هشت سال اول تحصیلات ابتدایی، و در سالهای بعد از آن برای کسانی که متعهد شوند پس از پایان تحصیل در مدتی برابر مدت تحصیل رایگان خود به‌استخدام دولت درآیند، مجانی است. این



امر، در نهایت یک نوع تضمین کار است که در بسیاری از جوامع دیگر آن را آرزو می‌کنند، زیرا خیلی از کسانی که در این جوامع از دانشگاهها فارغ‌التحصیل می‌شوند نمی‌توانند کار پیدا کنند، و همین فقدان دورنمای امیدبخش اشتغال و درآمد یکی از عوامل محرک عصیان جوانان به‌خصوص در جهان غرب است، در صورتی که در ایران امروز کسی که تحصیل می‌کند به‌محض پایان تحصیل دانشگاهی خود بیدرنگ و به‌طور خودکار استخدام می‌شود، آنها با حقوق مکفی که با آن می‌تواند به‌سجوی رضایت‌بخش زندگی کند. اما تحصیلات هشت‌سال اول ابتدایی هیچ‌گونه تعهد خدمتی را ایجاب نمی‌کند. پس از آنها ممکن است چنین تعهدی ایجاد نشود، زیرا هر دانشجو می‌تواند در صورت تمایل - و البته داشتن امکانات - هزینه تحصیلات خود را بازپرداخت کند و تعهد خویش را پس گیرد.

اساس فکری و فلسفی اعلام و اجرای این اصل انقلاب این بود که به‌هر جوان ایرانی امکانات مساوی برای نیل به‌عالیترین درجات داده شود، یعنی اصل و نسب و با ثروت خانوادگی او هیچ تأثیری در موفقیت وی نداشته باشد، قیدوبندهای اقتصادی و اجتماعی که در گذشته سد راه شکوفایی استعدادها بود از میان برود، و راه ارتقاء اجتماعی به‌صورت راهی سالم و امیدبخش در دسترس همگان قرار گیرد. البته بسیار مناسبتر خواهد بود اگر دولت بتواند کمک کند تا هر جوانی استعداد ویژه خود را درک کند و آنرا پرورش دهد.



در اجرای اصل آموزش رایگان و اجباری، کلیه دانش‌آموزان روزانه و شبانه و دانش‌آموزان کلاسهای مبارزه با بیسوادی و کلاسهای سوادآموزی حرفه‌ای و مدارس ایران در خارج از کشور از مزایای تحصیل مجانی برخوردار شدند، به طوری که تنها در سال تحصیلی گذشته رقم این عده به حدود ۷/۴۰۰/۰۰۰ نفر رسید. اجرای اصل آموزش رایگان با توزیع یک وعده غذای روزانه در ساعات درس بامدادی مرکب از شیر و بیسکویت و میوه که مقدار کالری آن با دقت محاسبه شده است همراه است و از این برنامه بیش از ۶ میلیون دانش‌آموز در سال تحصیلی گذشته برخوردار شدند.

گذشته از تحصیل و تغذیه رایگان، خدمات متعدد دیگری به محصلین داده می‌شود که بیمه در مقابل حوادث، انجام معاینات پزشکی، بیماری‌های در مورد بیماری‌های واگیر، مداوای دانش‌آموزان بیمار، تشکیل اردوهای تربیتی و تهیه وسایل تفریح و سرگرمی سالم از جمله آنهاست. کلیه معلمان اعم از بازتخته و شاغل با خانواده‌های خود زیر پوشش درمانی قرار گرفته‌اند. کارکنان آموزش و پرورش نیز به‌طور رایگان بیمه عمر هستند.

### بهداشت

اصول هفتم و شانزدهم انقلاب ناظر بر وضع بهداشتی جامعه ایرانی است. برنامه‌های این دو اصل مکمل برنامه‌های دستگاه



بهداشتی کشور است. نه اینکه جانشین آنها باشد. این برنامه‌ها فعالیت سپاه بهداشت و بهداشت رایگان، بخصوص حمایت از مادران باردار و کودکان شیرخوار را شامل می‌شود.

فلسفه ایجاد سپاه بهداشت در واقع همان فلسفه اعلام اصلاحات ارضی بود، بدین معنی که تا قبل از انقلاب، در نظام ارباب و رعیتی، کشاورزان و روستاییان نه تنها از لحاظ انسانی و اقتصادی استثمار می‌شدند، بلکه به‌همین جهت از سواد و از بهداشت نیز محروم و به‌علت بی‌اطلاعی و در عین حال فقدان امکانات بهداشتی با انواع بیماری‌ها دست‌به‌گریبان بودند. در نتیجه رقم مرگ‌ومیر در روستاها به‌میزان فوق‌العاده‌ای بالا بود، و آنها هم که مشغول کار بودند بر اثر بدی تغذیه و مسکن و کار و بهداشت هیچ‌وقت از تندرستی واقعی برخوردار نبودند.

در سالهای پیش از انقلاب، دستگاه بهداشتی کشور با وجود تلاش بسیار برای رساندن امکانات درمانی و بهداشتی به روستاها نتوانسته بود از این نظر پوشش کافی در سطح گسترده‌ی دهات کشور به‌وجود آورد، زیرا اعزام پزشک به روستاها که شرط اول چنین پوششی بود به‌سادگی امکان نداشت. حل این اشکال فقط از راه ایجاد سپاهی به‌نام سپاه بهداشت و فعالیت آن در روستاهای کشور ممکن گردید. با ایجاد این سپاه، از همه پزشکان و داروسازان و دامپزشکانی که مشمول خدمت نظام وظیفه بودند خواسته شد تا خدمات پزشکی و بهداشتی را در نواحی روستایی کشور عهده‌دار شوند. کار این سپاه با ۶۰ گروه پزشکی در سال



رعایت عدم تمرکز امور از دوباره کاری اجتناب شود. بدین جهت سازمان سپاه بهداشت به «سازمان سپاه بهداشت و مراکز بهداشت روستایی» تبدیل شد. و هدایت و نظارت مراکز بهداشت روستایی وزرات بهداری و درمانگاههای بیمدهای اجتماعی روستاییان نیز به عهده سپاه بهداشت محول گردید.

در سال گذشته طبق آمارهای رسمی ۱۴۲۲ مرکز بهداشتی و درمانی روستایی مربوط بدین سازمان در سطح کشور با ۱۲۹۰ پزشک مشغول کار بوده اند. قسمتی از این پزشکان موقتاً از کشورهای هند و پاکستان و فیلیپین و بنگلادش استخدام شده اند تا کمبود فعلی پزشک جبران شده باشد. ۴۰۰ آزمایشگاه مجهز در سطح روستاها ایجاد شده است که وظیفه آنها کمک به برنامه های بیماریابی در اجرای اصل بهداشت رایگان و انجام آزمایشهای لازم برای رسیدن به تشخیص های درست پزشکی در روستاهاست. از قریب ده هزار پزشک ایرانی نیز که در کشورهای خارجی مشغول کارند با تسهیلات و تریایط مناسب برای خدمت در ایران دعوت شده است که عده زیادی از آنها ناکون آمادگی خود را در این مورد اعلام داشته اند.

بدین ترتیب دومین «سپاه انقلاب» ایران اکنون به صورتی منظم و بی وقفه سرگرم ایفای وظیفه زندگی بخش خویش در دگرگون ساختن چهره بهداشتی روستاهای کشور و تبدیل آنها از صورت مراکز بیماری و مرگ به کانونهای تندرستی و زندگی و در نتیجه کانونهای تلاش و سازندگی است.



۲۵۲۴ آغاز شد و از آن پس به طور منظم ادامه و گسترش یافت. به طوری که تا کنون در حدود ۱۲۱۰۰۰ پسر و بیش از ۱۰۱۰۰۰ دختر دکتر و لیسانس و دیپلمه برای انجام وظایف خود در سپاه بهداشت آموزش یافته و ۱۴۱۰۰۰ نفر از آنان انجام وظیفه کرده اند. افرادی که برای اجرای این وظایف به روستاها اعزام شده اند، پزشکان و دندانپزشکان (به منظور تکمیل کادر درمانی و بهداشتی روستاها و اجرای برنامه های بهداشتی و درمانی)، داروسازان و متخصصان علوم آزمایشگاهی (برای تکمیل کادر دارویی و آزمایشگاهی در سطح روستا)، لیسانسها (جهت ایجاد کادر آموزش بهداشت در روستاها)، دیپلمه ها (به منظور گسترش کادر کمک پزشکی و فعالیتهای پزشکی و بهسازی محیط روستا) بوده اند.

ده سال تجربه، کارآیی سازمان سپاه بهداشت را بویژه در زمینه توزیع عادلانه پزشکان و خدمات پزشکی در کشور به عنوان یک ثروت ملی و بهره گیری هر چه بیشتر و بهتر از وجود آنان در مسیر گسترش تندرستی در روستاها به ثبوت رسانید. تنها در ظرف هشت سال تعداد روستاتشینانی که مشمول خدمات بهداشتی شدند از کمتر از یک میلیون نفر به بیش از هشت میلیون نفر افزایش یافت.

با توجه به موفقیت برنامه های ده ساله اول سپاهیان بهداشت، در سال ۲۵۲۳ تصمیم گرفته شد ارائه کلیه خدمات بهداشتی به روستاییان تنها از طریق این سازمان مجهز انجام گیرد تا با



\* \* \*

اعلام اصل شانزدهم انقلاب مبنی بر حمایت از مادران باردار و کودکان شیرخوار، مرحله تازه‌ای در گسترش کمی و کیفی این تلاش فراگیر ملی برای بالا بردن سطح بهداشت و تندرستی جامعه ایرانی بود. گذشته از جنبه اجتماعی و انسانی این اصل، اجرای آن را در واقع باید یک سرمایه‌گذاری ملی در امر پرورش نسلی تندرست و نیرومند برای بازده بیشتر و توسعه گسترده اقتصاد ملی شمرد.

پیش از اعلام این اصل، طبق فرمان دیگری که از جانب من صادر شده بود دولت موظف به اقداماتی گردیده بود که تا حد زیادی بهداشت رایگان را برای مردم کشور تأمین می‌کرد. به موجب این فرمان مقرر شده بود که از یک طرف دولت به وسیله دستگاه بهداشتی اقدامات لازم را برای بیماری‌ها، جلوگیری از بیماری‌های واگیر، پیشگیری از بیماری‌های مختلف به وسیله واکسیناسیون، بهبود محیط زیست و آموزش بهداشت به عموم مردم به عمل آورد، به طوری که موردی از بیماری‌های قابل پیشگیری در هیچیک از نقاط شهری و روستایی کشور باقی نماند. از طرف دیگر برای هر یک از افراد کشور شناسنامه بهداشتی تهیه شود، به نحوی که کلیه سوابق بهداشتی آنها و بیماری‌ها و واکسیناسیون‌های انجام شده و سایر امور بهداشتی در آن منعکس گردد. در این فرمان تصریح شده بود که جز در مواردی که همکاری و خودیاری مردم لازم است تأمین بهداشت عمومی از



وظایف دولت و به صورت رایگان خواهد بود.

بدین ترتیب توجه به برنامه‌های بهداشت مادر و کودک و گسترش این برنامه‌ها در سطح کشور، از پیش از اعلام اصل شانزدهم انقلاب نیز از وظایف مهم دولت محسوب شده و از همان هنگام اقدامات وسیعی در این زمینه انجام گرفته بود. مع هذا آمارها نشان می‌داد که با وجود آنکه نزدیک به ۵۰۰ مرکز بهداشتی و درمانی خدمات بهداشت و تغذیه مادران و کودکان را در استان‌های مختلف ارائه می‌دهند و با آنکه بالغ بر ۱۵۰۰۰۰۰ مادر و کودک در درجات مختلف زیر این پوشش هستند، میزان مرگ و میر کودکان ایرانی - علیرغم پایین آمدن بسیار محسوس آن در دهه گذشته - هنوز در حد بالایی به مراتب بیش از نسبت مشابه در غالب کشورهای پیشرفته است.

بررسی‌های انجام شده نشان داده است که مهمترین عوامل مرگ و میر کودکان، بیماری‌های عفونی، سوء تغذیه و بخصوص ترکیب این هر دو بر اثر عدم رعایت اصول بهداشت مادر و کودک است. در عین حال پژوهش‌های علمی جهانی روشن کرده است که رابطه محسوس میان وزن کودک در هنگام تولد او با مراقبت‌های زمان بارداری و شرایط اقتصادی و اجتماعی و آموزشی خانواده وجود دارد. در ایران آهنگ رشد شیرخواران تا ماه پنجم تقریباً طبیعی است، ولی از ماه ششم این آهنگ کندتر می‌شود، که شاید دلیل آن عدم تکافوی شیر مادران در دومین نیمه سال اول زندگی کودک آنها، و عدم اطلاع کافی ایشان از



چگونگی تغذیه صحیح کودکان، و دادن غذاهای نامناسب بدانان و نیز عفوتهای مکرر باشد.

از طرف دیگر مطالعات علمی ثابت کرده است که یاخته‌های مغز آدمی در فاصله تولد تا دو سالگی او با توجه به وضع تغذیه وی شکل می‌گیرند. در این صورت کودکانی را که بد تغذیه می‌کنند نه تنها ضعیف و نزار می‌شوند، بلکه سلولهای مغزشان هم به اندازه کافی رشد نمی‌کند. اصل شانزدهم انقلاب از این نیز فراتر رفته، یعنی در نظر گرفته است که برای تکمیل مراقبتهایی که باید در این زمینه به عمل آید حتی مادران بارداری که بیمه‌های اجتماعی آنها را نیازمند معرفی کند مشمول کمک و مراقبت قرار گیرند. البته شاید در چند سال دیگر نیازی بدین کار نباشد، زیرا در آن موقع همه خانواده‌های ایرانی به آن اندازه درآمد خواهند داشت که رأساً به حل این مسائل بپردازند. اما اصل این است که در هر صورت و تحت هر شرایطی، در جامعه ایرانی به مسئله هر مادری که دوران بارداری را می‌گذراند اهمیتی که لازم است داده شود، چه در اصل این مسئولیت جامعه است که به همه کودکان خود امکان دهد تا به شیوه‌ای هماهنگ رشد کنند و از مراقبتهای لازم در این مورد برخوردار باشند.

اجرای این اصل که تقریباً چهار میلیون نفر مادر و کودک را در بر خواهد گرفت، ایجاب می‌کند که در درجه اول وضع زنان باردار توسط مندکاران و بهیاران با تشکیلاتی دقیق مورد بررسی قرار گیرد، سپس در تغذیه مادرانی که نیاز به کمک داشته باشند با



رژیم غذایی مرتبی که ضامن رشد طبیعی فرزندان آنان در چنین باشد اقدام شود و در مرحله نهایی یعنی پس از تولد کودک مراقبت شود که تا مدت دو یا سه سال غذای لازم و مفید باو برسد، تا هم سلولهای مغزی او و هم بدن وی به صورت کامل رشد کنند. بدین ترتیب با عملی شدن این اصل انقلاب در واقع بهداشت هر فرد ایرانی از هنگام بارداری مادر او آغاز می‌شود. هنگامی که این برنامه‌ها کاملاً به‌مورد اجرا در آمده باشد طبعاً چهره نسل تازه تدریجاً عوض خواهد شد و نژادی به مراتب تندرست‌تر و نیرومندتر روی کار خواهد آمد که دیگر در آن از بچه‌های نحیف و ناتوان تقریباً اثری نخواهد بود و کودکان عقب افتاده نیز بسیار کمتر خواهند بود. اگر درست در این مورد عمل شود، باید انتظار این دوران را همزمان با آغاز دوران «نمندن بزرگ» داشته باشیم.

سیاستهای اساسی در این زمینه عبارتند از: در نظر گرفتن برنامه بهداشت مادر و کودک به‌عنوان یک برنامه زیربنایی، افزایش پوشش خدمات حمایت از مادران و کودکان شیرخوار از کوچکترین تا وسیعترین واحد شبکه بهداشتی و درمانی کشور، رعایت اولویتهای اجرایی نظیر بهداشت مادران باردار، بهداشت کودکان شیرخوار، استفاده بیشتر از شیر مادر، و در مرحله آخر استفاده از غذاهای کمکی و شیرخشک مناسب برای تغذیه کودکان. برای تحقق این شرایط، می‌باید بیمارستانها و درمانگاهها و کلینیکهای بهداشتی برای زنان باردار و کودکان



شیرخوار با توجه به گسترش و پراکندگی جمعیت در کشور هم زیادتر و هم مجهزتر شوند، و ترتیب استقرار مراکز بهداشتی مخصوصاً در روستاها طوری باشد که روستاهای پرجمعیت را کاملاً بپوشاند و روستاهای کم جمعیت نیز با فاصله زمانی کوتاه بتوانند از این مراکز استفاده کنند.

در عین حال می باید ترتیب آمارگیریهای لازم از هر منطقه داده شود تا به طور دقیق مشخص شود که میزان باروری مادران هر منطقه چیست و چه تعدادی از آنان قادر به تغذیه کافی و صحیح خود و طفل جنینی یا متولد شده خویش نیستند و در چه میزان احتیاج به کمک دارند؟ چنین کمکی طبعاً باید با کوشش در دادن آموزش لازم بدانان همراه باشد تا در هر مورد ضروری مادر بتواند به کمک چنین آموزشی وظیفه خود را در مورد فرزندش انجام دهد.

\* \* \*

در پیشرفت فعالیتهای مربوط به اصول هفتم و شانزدهم انقلاب، سازمانها و جمعیتهای متعدد دیگری نیز شرکت دارند که حقاً می باید از کوششها و خدمات صادقانه آنها یاد شود. این مؤسسات فعالیتی اضافه بر فعالیتهای وزارت بهداشتی و بهزیستی و دستگاه رسمی بهداشتی کشور دارند و بسیاری از آنها اصولاً زائیده ایران عصر انقلاب هستند.

از زمره قدیمیترین این سازمانها باید از جمعیت



شیرخورشید سرخ ایران، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، جمعیت حمایت از مادران و نوزادان، و بنیاد پهلوی نام برد که گذشته از خدمات بهداشتی گسترده و روزمره خود، از راه فعالیت مدارس آموزش حرفه‌ای، آموختن مهارتهای فنی به کودکان علیل یا عقب افتاده، تربیت پرستار، اعمال قوانین ناظر بر شرایط کار زنان و کودکان در کارخانهها و ارائه خدمات رفاهی بدانان، آموزش عمومی در مورد چگونگی پرستاری از مادران باردار و کودکان، اداره کارخانه بزرگ داروسازی برای تهیه دارو و فروش آن به عموم به ارزانهترین قیمت ممکن، سهم فعالی در پیشبرد برنامه‌های مربوط به اصول انقلاب دارند.

مهمترین سازمانهای دیگر که در این زمینهها فعالیت دارند، عبارتند از: جمعیت بهزیستی و آموزشی فرح پهلوی، بنیاد ملکه پهلوی، بنیاد نیکوکاری شمس پهلوی، بنیاد اشرف پهلوی، سازمانهای ملی رفاه نایبایان و ناشنوایان، سازمان ملی رفاه خانواده، انجمن ملی توان بخشی ایران، انجمن ملی حمایت از کودکان، جمعیت حمایت کودکان بی سرپرست، جمعیت حمایت کودکان کرولال، انجمن ملی حمایت معلولین، جمعیت کمک به جذامیان، جمعیت حمایت معلولین، جمعیت ملی مبارزه با سرطان، سازمان ملی انتقال خون و غیره، که اطلاعات مربوط بدانها را می توان به آسانی از خود آن مراکز یا از وزارت بهداشتی و بهزیستی تهیه کرد.



## آبادانی و مسکن

دواصل دیگر از اصول انقلاب، به ترویج و آبادانی و به نوسازی کشور اختصاص یافته است. این دو اصل، اصول هشتم و یازدهم انقلاب است که اولی در سال ۲۵۲۳ و دومی در سال ۲۵۲۶ اعلام شد.

اجرای اصل اول از این دو اصل را سومین سپاه انقلاب ایران یعنی سپاه ترویج و آبادانی عهده‌دار است. این سپاه مرکب از کارشناسان علمی و فنی جوان کشور، اعم از مهندسان رشته‌های کشاورزی، ساختمانی، راهسازی، برق و مکانیک و سایر تحصیل کردگان رشته‌های فنی و مهندسی است که قسمتی از دوره خدمت وظیفه خود را در روستاهای کشور می‌گذرانند و مأموریت آنها کوشش در بالا بردن سطح زندگی روستاییان، آشنا کردن آنان با اصول تازه کشاورزی، کمک به ازدیاد تولیدات دامی و زراعی، توسعه و بهبود و ترویج صنایع روستایی، و راهنمایی روستاییان در امور مربوط به آبادانی و نوسازی روستاهاست. در همه این موارد برنامه‌های آموزش نظری با آموزش عملی همراه است.

هر «سپاهی ترویج و آبادانی» موظف است شناسنامه‌ای برای منطقه عمل خویش، شامل اطلاعات دقیق طبیعی و انسانی آن منطقه و بررسی وسایل و امکانات و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و کشاورزی آن و راه‌حلهای این

مسائل را تهیه کند و سپس برنامه کار خود را براساس آن تنظیم و اجرا نماید. این شناسنامه‌ها اساس برنامه‌ریزی لازم برای تهیه فهرست نیازمندیهای هر دهکده است. وظایف عملی اعضای این سپاه تربیت کشاورزان و کودکان آنها در امور کشاورزی، کشت سبزیها و میوه‌ها، استفاده از کودهای شیمیایی، جلوگیری از آفات، راهنمایی در امر پرورش دام، کمک به کشاورزان و روستاییان در کار معالجه دام، ضد عفونی کردن، واکسیناسیون، تلقیح مصنوعی و مرغداری، ساختن کندوها و اصطبلها، باغداری، صنایع دستی، و در عین حال ایجاد نهادهای صحیح در طرز تفکر روستاییان در مورد مسائل کشاورزی و آبیاری و زراعت مکانیزه و امور تعاونی، پرورش شخصیت و استعدادهای آنان، ایجاد مهارتهای شغلی در آنان، و ایجاد باشگاههای جوانان روستایی است. در این راه سپاهیان ترویج و آبادانی از وسایل سمعی و بصری، فیلم‌های سینمایی، نشریات مختلف کشاورزی، احداث مزارع نمونه و آزمایشی و نظایر آن کمک می‌گیرند. این سپاهیان وظیفه دارند برنامه‌های آموزشی و اجرایی را براساس نیازهای واقعی مردم روستاها و شرایط اقلیمی و امکانات کشاورزی، با مشورت و صلاحدید صاحب نظران محلی و تأیید کارشناسان ترویج در رشته‌های گوناگون کشاورزی و دامپروری تهیه کنند تا اجرای آنها با واقع بینی و توجه به شرایط و مقدمات و نیازهای هر محل همراه باشد.

ترازنامه فعالیت‌های این سپاهیان نشان می‌دهد که این کوششها



بسیار مثبت و سازنده بوده است. این توفیقی است که اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌هایی از قبیل ساختن راهها و مدارس و مراکز تجمع و گرمابه‌های عمومی، و نیز طرحهایی نظیر افزایش تولید گندم و علوفه و پرنج و بهبود کشت دانه‌های زراعی و احیاء تاکستانها و طرحهای توسعه قطبهای کشاورزی و دامداری و ایجاد مجتمع‌های کشت و صنعت و بهره‌برداری صحیح از آب و خاک با تکنیک‌های پیشرفته کشاورزی مکانیزه و تأمین تسهیلات اعتباری و خدمات فنی و آموزش کشاورزان و بسیج نیروهای انسانی آنان، گویای آن است.

هرساله ۳۸۰۰ نفر در مدارج دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر برای خدمت در سپاه ترویج و آبادانی انتخاب و برای آموزش نظری و عملی به‌مرکز آموزش ترویج کشاورزی کرج اعزام می‌شوند. تا پس از پایان مدت آموزش راهی روستاها شوند. تاکنون شماره کلی این سپاهیان به حدود ۳۴۰۰۰ نفر رسیده است.

\*\*\*

اصل «نوسازی و عمران شهری» که عملاً نوسازی شهری و روستایی را شامل می‌شود، پاسخگوی نیازی است که بر اثر توسعه روزافزون اقتصاد کشور احساس شد. بر اثر گسترش شتابان اقتصاد مملکت، تمایل مردم به‌شهرنشینی که از نتایج هررشد اقتصادی و صنعتی است باعث شد که شهرها در مدتی کوتاه و با



سرعتی زیاد به‌صورت بی‌رویه‌ای توسعه یافتند، و از آنجا که رشد ناگهانی شهرها و افزایش جمعیت هماهنگ با توسعه ظرفیت و امکانات واقعی شهرها نبود، نواقص و مشکلات فراوانی در زمینه مسکن، آب و برق، بهداشت و نظایر آن آشکار شد.

در ابتدا شهرسازی صحیح وجود نداشت و در نتیجه خدمات عمومی با کمبودهای زیاد مواجه بود. تعداد واحدهای مسکونی، مدارس، پارکها، تأثرها، کتابخانه‌ها و مراکز تفریحات سالم بسیار محدود بود. بنابراین لازم بود که تسهیلات رفاهی شهری هرچه بیشتری ایجاد شود، و از این نظر یک طرح‌ریزی اساسی برای شهرسازی به‌منظور برآوردن نیازها و خواسته‌های حقیقه مردم ضرورت داشت تا بر مبنای این طرح‌ریزی دستگاههای مسئول در راه‌نوسازی و عمران شهرها بسیج شوند.

طبق قانونی که براساس این اصل انقلاب تصویب شد و تهران و ۷۲ شهر دیگر را شامل گردید «نوسازی و عمران و اصلاحات اساسی و تأمین نیازمندیهای شهری و اصلاح و توسعه معابر و ایجاد پارکها و پارکینگها و میدانها و حفظ و نگاهداری پارکها و باغهای عمومی و تأمین سایر تأسیسات مورد نیاز عمومی و نوسازی محلات و مراقبت در رشد موزون و متناسب شهرها» از وظایف اساسی شهرداریها تعیین شد. در اجرای این قانون شهرداریها موظف شدند با استفاده از تجارب عملی و با نظر کارشناسان فنی شهرسازی مقدمات این نوسازی را از طریق تنظیم نقشه‌های جامع فراهم کنند و این طرحها را به‌تدریج در



شهرهای مختلف به‌مورد اجرا گذارند.

برای حسن اجرای این اصل، مالیاتهای پیچیده گذشته حذف شد و در عوض یک نظام مالیاتی مترقی به‌جای آن وضع گردید. طبق این نظام جدید مقرر شد شهرنشینان مخارج اصلاحات شهر خودشان را از طریق پرداخت عوارض به‌شهرد ریه تأمین کنند. بر زمینهای بایر شهری مالیات خاص وضع شد. سازمانهای مختلف خانه‌سازی و تأمین وام برای امور ساختمانی تشکیل شد تا اعتبارات لازم را برای تهیه مسکن در اختیار افراد و شرکتهای خانه‌سازی که حاصل کارشان به‌نفع عامه باشد قرار دهند. این برنامه اخیراً با اعلام اصل هیجدهم انقلاب در راه تأمین بیشتر منافع عمومی از طریق جلوگیری از افزایش نامعقول بهای زمین و ساختمان و اجاره خانه و تثبیت نسبی قیمت زمین، بعد تازه‌ای یافت.

بدیهی است با طرح نوسازی شهرها امر نوسازی روستاها کنار گذاشته‌نشود. بعکس اعلام این اصل از انقلاب جهش تازه‌ای را در امر عمران و نوسازی روستاها پدید آورد. در این مورد براساس تجارب و بررسیهای قبلی، چنین در نظر گرفته شد که برای تأمین بهتر تأسیسات و خدمات مورد نیاز ساکنان چند روستای نزدیک به یکدیگر با جمعیتی در حدود پنجهزار نفر، این تأسیسات و خدمات در یکی از روستاهای این مجموعه که دارای مرکزیت و امکانات توسعه و ظرفیت اقتصادی و اجتماعی لازم باشد به‌عنوان «روستاشهر» تمرکز یابد و روستاهای محدوده آن که



در شعاع متناسب و معقولی از آن قرار داشته باشند مجتمعاً از این امکانات بهره‌گیرند. ضوابط انتخاب یک «روستاشهر» میزان روند افزایش جمعیت، سطح کشت و میزان تولیدات کشاورزی و دامی، منابع آب، امکانات لازم جهت ایجاد و توسعه سازمانهای اداری و محلی، داشتن شرایط مناسب برای تأمین خدمات مورد نیاز روستاییان، امکانات ضروری برای توسعه آبی، و مرکزیت روستا از نظر جغرافیایی تعیین گردید. تأسیسات زیربنایی که برای یک «روستاشهر» معین شده‌اند عبارتند از: ایجاد راه ارتباطی بین این روستا با روستاهای اقمار و شهرهای نزدیک، تأمین برق خانگی و کشاورزی و صنعتی، تأمین آب آشامیدنی و لوله‌کشی آن، ایجاد دبستان و مدرسه راهنمایی و در صورت نیاز آموزشگاه خدمات روستایی، ایجاد خانه فرهنگ روستایی و مرکز اجتماعات و کتابخانه، ایجاد میدانهای ساده ورزشی، ایجاد درمانگاه، تأسیسات بهداشتی، گرمابه، کلینیک دامپزشکی، ایجاد مراکز فروشگاه تعاونی و خدمات کشاورزی و تعمیرگاه ماشین‌آلات، محوطه سازی و فضای سبز، ایجاد مجتمع صنایع تبدیلی و روستایی و کارگاههای صنایع کوچک دستی، ایجاد خانه برای روستاییان با خودیاری آنان از راه تخصیص وام با بهره کم و اقساط طولانی.

بدین ترتیب نوسازی شهری و روستایی به‌صورت دو رشته موازی از یک کوشش واحد یعنی تلاش در راه بازسازی تمام کشور در آمد.



\*\*\*

از دیدگاه فعالیت‌های شهرسازی و مسکن در سطح کشوری، می‌باید متذکر شد که این برنامه‌ها اکنون به صورت یک طرح همه‌جانبه مملکتی در دست اجراست، و در عین حال با توجه به الزامات و نیازهای آینده، طرح‌های تکمیلی وسیعی تهیه می‌شود که هر یک از آنها می‌باید در مراحل پیش‌بینی شده مورد اجرا قرار گیرد.

در حال حاضر برای پاسخگویی به نیاز عمومی در امر تأمین مسکن، از راه‌های مختلفی اقدام می‌شود که ایجاد شرایط مساعد جهت تسهیل سرمایه‌های بخش خصوصی از راه گسترش صندوق‌های پس‌انداز و وام مسکن، اعطای وام به سازندگان، تقویت منابع مالی لازم از طریق تشکیل بانک ساختمانی و شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی بانک‌های ایران و پیش‌بینی انتشار اوراق قرضه و سپرده مسکن، تأمین شرایط مناسب برای اعطای وام‌های دراز مدت مسکن به طبقات مختلف مردم، کمک به گسترش اقدامات خود یاری در مورد تهیه مسکن بوسیله شرکت‌های تعاونی مسکن، از آن جمله است.

طبق آمارهای وزارت مسکن و شهرسازی، در تأمین این برنامه‌ها تنها توسط این وزارتخانه تا پایان سال گذشته ۳۱/۰۰۰ واحد مسکونی شامل خانه‌های سازمانی کارگری و کارمندی و خانه‌های ارزان قیمت با هزینه ۱۴/۴ میلیارد ریال ساخته شده و بیش از ۴۰/۰۰۰ واحد مسکونی سازمانی و ارزان قیمت دیگر با



پیش‌بینی هزینه‌ای معادل ۶۷/۴ میلیارد ریال در دست ساختمان است (در این ارقام فعالیت خانه‌سازی سایر سازمان‌های دولتی از جمله ارتش شاهنشاهی به حساب نیامده است.) - ۲/۱۱۵ پروژه ساختمان‌های آموزشی، دانشگاهی، بیمارستانها، مراکز پرورش، مراکز درمانی، هتل‌ها و مهمانسراها و پلاژها، کارخانه‌های آسانسورسازی، تأسیسات گاز و نظایر آنها اجرا شده و ۸۷۹ پروژه ساختمانی دیگر از همین قبیل در دست اجراست. ۲/۰۵۶ پروژه عمران شهری در شهرستانها و ۶/۸۹۲ پروژه عمران روستایی در روستاها نیز به‌مورد اجرا درآمده است. در دو سال گذشته ۱۲ میلیون مترمربع زمین به‌منظور احداث واحدهای مسکونی و ساختمان‌های دیگر به شرکت‌های تعاونی مسکن و دستگاه‌های دولتی واگذار شده است. تعداد وام‌های درازمدت مسکن که برای احداث یا خرید و یا تکمیل ساختمان خانه و آپارتمان تنها توسط بانک رهنی در ده ساله اخیر به مؤسسات و افراد مختلف داده شده در حدود ۵۴۰/۰۰۰ وام به‌مبلغ کلی ۱۰۳ میلیارد ریال است.

\*\*\*

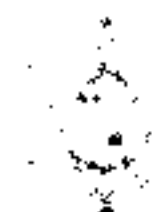
اصل هیجدهم انقلاب که در تابستان ۲۵۳۶ اعلام شد، مربوط به حفظ منافع مردم ایران در امر مسکن، و جلوگیری از احتیاجات و سوءاستفاده‌هایی است که ممکن است در این راه صورت گیرد.



چنانکه توضیح داده شد، تهیه مسکن برای حداکثر افراد هدف نهایی سیاست تأمین مسکن کشور است. اساس این سیاست که از سالها پیش دنبال می‌شود، افزایش واحدهای مسکونی برای گروههای مختلف به‌خصوص افراد کم درآمد، کاهش تراکم فعلی افراد در واحدهای مسکونی و بهبود مساکن موجود از نظر بهداشتی و اجتماعی است.

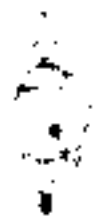
ولی این کوششها که صرفاً به‌منظور کمک به تأمین نیازهای عمومی در امر تهیه مسکن انجام گرفته، متأسفانه افزایش بی‌رویه بهای زمین را در سالهای اخیر به‌همراه داشته است که امری غیر طبیعی و سودجویانه است. این وضع نه‌تنها به‌زیان طبقه‌ای که هدف از همه این اقدامات تأمین منافع حقه آنها بود تمام می‌شود، بلکه مضار فراوان اقتصادی و اجتماعی آن ممکن بود اصولاً مسیر پیشرفت کشور را تغییر دهد.

زمین ساختمانی محلی است که باید بنا در آن انجام گیرد، و منطقاً می‌باید بهای آن نسبت به‌بهای کل ساختمان اندک باشد، و حال آنکه با وجود فراوانی زمینهای داخل و پیرامون شهرها، در سالهای اخیر ترقی بهای زمین به‌حدی رسیده بود که قیمت زمین رقم عمده‌ای از قیمت یک منزل را تشکیل می‌داد و از این جهت نمی‌توانست برای خانه‌سازی در دسترس عامه قرار گیرد، بلکه فقط در اختیار طبقات خاصی قرار می‌گرفت. به‌دنبال بالا رفتن بهای زمین، قیمت ساختمان و مسکن و اجاره‌بها نیز افزایش یافت، و این خود عامل مهمی در ایجاد تورم بود.



به‌طور کلی افزایش بی‌رویه بهای زمین، درآمدهای سرشار و بی‌زحمتی برای صاحبان زمینهای بزرگ همراه دارد که از طرفی سرمایه‌ها را بی‌آنکه در کارهای تولیدی صرف شود مسخوس می‌کند، و از طرف دیگر عده‌ای را که به‌هرحال احتیاج به مسکن و طبعاً احتیاج به زمین دارند وادار می‌کند که به‌هر قیمتی باشد، به‌خصوص از راه وام گرفتن از بانکها، زمین لازم را تهیه کنند در نتیجه سرمایه‌ها نزد عده معدودی تمرکز می‌یابد و باعث توزیع غیر عادلانه درآمدها می‌شود.

صرفنظر از این معایب اقتصادی، امکان تحصیل درآمدهای سرشار و غیر عادی در زمانی کوتاه بدون کوششی مولد و مثبت، صاحبان سرمایه را عادت می‌دهد که به‌جای کارهای تولیدی در پی تحصیل درآمدهای باد آورده و بی‌زحمت بروند و به‌عوااید معقول و متناسب با سرمایه و کار توجهی نکنند. این وضع علاوه بر آنکه سرمایه و نیروی انسانی را با ارزش فوق‌العاده‌ای که این دو عامل در جامعه کنونی ما دارد عاطل می‌گذارد، روحیه تنبلی و ولخرجی را نیز همراه با توقعات بیجا و نامعقول رواج می‌دهد. با توجه بدین وضع نامطلوب، و برای جلوگیری از توسعه مضار اقتصادی و اجتماعی چنین وضعی بود که در امرداد ماه گذشته اصل هیجدهم انقلاب در مورد تثبیت نسبی بهای زمین اعلام شد، و دولت مکلف گردید که با کسب مجوزهای قانونی در ظرف سه سال از راه مبارزه با تورم کلی و اتخاذ تدابیر خاص مالیاتی و سایر اقدامات لازم نظیر استفاده از زمین‌هایی که در



اختیار دولت است برای ایجاد واحدهای مسکونی، ترتیبی دهد که افزایش نسبی بهای زمین در هر سال حداکثر از میزان تورم سالانه تجاوز نکند، و سرمایه‌گذاری در رشته‌های تولیدی جایگزین راکدشدن سرمایه در زمین شود.

بدین ترتیب دولت باید به‌اتکاء زمینهای ملی شده و زمین‌هایی که در اختیار دارد، وارد بورس زمین بشود و قیمت‌های مصنوعی را بی‌آنکه راه فراری برای سودجویان باز بگذارد، بشکند. این زمینها باید با شرایط آسان به شرکت‌هایی که واقعاً به دنبال خانه‌سازی هستند واگذار شود تا خانه در حد کافی ساخته شود. وضع مصنوعی و ناسالمی که بخصوص در سالهای اخیر از نظر سودجویی شخصی در مورد زمین و مسکن وجود داشت باید به‌طور قطع خاتمه یابد. در این مورد که بهای زمین در آینده حداکثر از افزایش تورم سالانه بالاتر نرود، منظور این نیست که حتماً باید به‌همان اندازه بالا رود، بلکه این فقط حدی است که نباید از آن تجاوز شود. هدف اصلی باید پایین آمدن تورم و نه بالا رفتن قیمت زمین باشد.

### امور قضایی

اصل نهم انقلاب که مظهر تلفیق عدالت قضایی با عدالت اجتماعی است جنبه قضایی انقلاب ایران را شامل می‌شود. این اصلی است که با ایجاد خانه‌های انصاف در روستاها و شوراهای



داوری در شهرها، چهره تازه‌ای از عدالت را به‌سرمد کشور عرضه داشت و از این راه از یک‌طرف حل مشکلات قضایی روستاییان و شهرنشینان ایران را بسیار آسانتر کرد و از جانب دیگر بار بزرگی را از دوش دستگاه دادگستری کشور برداشت، ولی مهمتر از این در این بود که درک فلسفه جدیدی را از عدالت وارد اصول قضایی کرد.

جنبه فلسفی خانه‌های انصاف، به‌صورتی که توسط صاحب‌نظران سازمان قضایی کشور مورد تفسیر قرار گرفته است، رجوع به عدالت طبیعی به‌جای عدالت قانونی، و لزوماً اعتماد به وجدان مردم و انطباق قانون با واقعیات زندگی است. با این برداشت فکری، تشکیل خانه‌های انصاف و شوراهای داوری فقط بر این اساس نیست که در محل دادگاه وجود ندارد و یا بار دادگاه‌های موجود سنگین است، بلکه بخصوص بر این اساس است که مردم و وجدان و انصاف آنها به‌عنوان اصلی مورد اعتماد پذیرفته شده‌اند، و قبول شده است که قانون به‌تنهایی در همه موارد تزامناً عدالت را تأمین نمی‌کند، و انعطاف ناپذیری آن در برابر شرایط متغیر زندگی گاه حتی مغایر عدالت واقعی است، لذا پیش از تشکیل خانه‌های انصاف و شوراهای داوری، اعمال قدرت قضایی چه در روستاها و چه در شهرها با موانع و محظورات بسیاری روبرو بود. قبل از آغاز عصر بهنوی اصولاً در روستاها عدالت قضایی وجود نداشت و سرنوشت رعایا و روستاییان در اختیار قدرت مطلقه مالکان یا خوتین بود، همانطور



که سرنوشت شهرنشینان در دست حکام محلی و یا به اصطلاح محاکم شرع بود. در زمان سلطنت رضا شاه کبیر قوه قضاییه بر اساس ضوابط و مقررات مشخصی ایجاد شد و حکام محلی و مراجع شرعی قدرت قضایی خود را قانوناً از دست دادند، ولی در عمل اختلافات سطوح اجتماع و نفوذ خصوصی مالکان و متنفذان و ثروتمندان اعمال واقعی اصول قانون را دشوار می کرد.

با آغاز انقلاب ایران، و دگرگونیهای اجتماعی که این انقلاب به همراه آورد، اصلاح قوانین حقوقی و جزایی و گسترش سازمان قضایی کشور مورد توجه قرار گرفت و اقداماتی در این زمینه انجام شد، لکن این اقدامات جوابگوی نیاز قضایی مردم مملکت منجمله روستاییان نبود، و بدین واقعیت توجه شد که نظام کهنه قوانین و کمبود قضات و کارمندان کارآزموده قضایی بیش از همه موجب بی عدالتی در حق روستاییان و کشاورزان خواهد بود. این واقعیت، و شکایتها و دادخواستهای انباشته بر روی هم در دادگستری و کمبود تعداد دادگاهها و قضات امید استقرار عدالت قضایی را در روستاها مشکل می ساخت، و لازم بود برای رفع این اشکال اقدام اساسی انجام گیرد و راه حل قاطعی که بتواند اختلافات روزمره و دعاوی ساده روستائیان را با سرعت و دقت حل و فصل کند در نظر گرفته شود. با الهام از روش سنتی کدخدانمنشی در روستاها و تطبیق این رویه با نظام پیشرفته کشور، تشکیل خانههای انصاف در روستاها و انتخاب داوران آنها به وسیله روستاییان یک اقدام انقلابی و مرفقی و تنها راه حل



مشکل دادگستری تشخیص داده شد.

با تشکیل خانههای انصاف در روستاها، به جای آنکه فرد روستایی برای احقاق حق خود یا دفاع از این حق راهی شهرهای دور و نزدیک شود و وقت و پول و نیروی خویش را صرف کاری کند که غالباً نتیجه آن حتی به زحمتش نمی آرزید، دستگاه عدالت به سراغ او رفت تا این احقاق حق را در محیط او، و توسط افراد مورد اعتماد و برگزیده خود او، با طریق سهلی که برای روستایی ساده دل کاملاً قابل درک باشد و با ابعاد کوچک مشکلات او هماهنگی داشته باشد انجام دهد. بدین ترتیب نه تنها مشکلات روستاییان بسیار آسانتر و سریعتر حل می شد، بلکه روستایی و کشاورز ایرانی می توانست وقتی را که اجباراً به هدر می رفت صرف کار تولیدی خود کند، و از این راه سهم خویش را در پیشرفت اقتصاد کشور و در بهبود زندگی خود به نحو بهتری ایفاء نماید. در عین حال وجود خانههای انصاف باعث شد که هر ساله هزاران اختلاف که در گذشته منجر به ایجاد کینه و دشمنی می شد و گاهی منازعات بزرگ و قتل و جرح و ضرب همراه می آورد، از راه کدخدانمنشی به صلح و آشتی منتهی شود و محیط روستا به جای کانون خصومت، محیط دوستی و همکاری گردد.

با ایجاد خانههای انصاف، عدالت قضایی به طور سهل و رایگان در اختیار روستایی قرار گرفت و برای نخستین بار در تاریخ قضایی ایران رعایت انصاف و روابط انسانی و مبانی



عرف و عادت، اصول کدخدانمنشی و سازش، اجرای قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیر قضایی را آسان و احقاق حقوق روستاییان و استقرار عدالت قضایی را در روستاها تأمین کرد، و به مردم روستا این فرصت داده شد که در کارهای قضایی خود شریک باشند. در این اقدام نقش انسانی و مثبت سپاهیان دانش شایسته تذکر خاص است، زیرا بر اساس قانونی که در باره تشکیل خانه‌های انصاف وضع شد سپاهیان دانش در هر محل گذشته از انجام وظایف رسمی خود وظیفهٔ منشیگری خانه‌های انصاف را نیز عهده‌دار شدند.

موفقیت فوق‌العاده خانه‌های انصاف و توسعهٔ روز افزون آنها نشان داده است که این اقدام انقلابی تا چه اندازه در گسترش عدالت اجتماعی و بهبود زندگانی روستاییان مؤثر بوده است. شماره این خانه‌ها که در سال نخستین ۲۳۴ بود اکنون به ۱۰۳۵۸ رسیده است که در حدود ۱۹۰۰۰ روستا با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند. در این مراکز تاکنون بیشتر از ۳ میلیون دعوی مورد رسیدگی قرار گرفته و حل شده است، که اگر قرار بود این تعداد دعوی به دادگاه‌های قضایی ارجاع شود نه فقط رسیدگی بدانها سالها وقت می‌گرفت، بلکه هزینه هنگفتی را نیز چه به دولت و چه به طرفین دعوی تحمیل می‌کرد.

نتیجهٔ درخشان و بازده مطلوب فعالیت خانه‌های انصاف موجب شد که به تشکیل شوراهای داوری در شهرهای کشور نیز



اقدام شود. بدین جهت قانون شورای داوری وضع و با تشکیل این شوراها در شهرها رسیدگی به اختلافات جزئی و دعاوی کوچک مردم شهرنشین به شوراهای داوری واگذار گردید. هر یک از این شوراها که با همان وضع و همان ضوابط مربوط به تشکیل خانه‌های انصاف ایجاد می‌شود، مرکب از پنج نفر از معتمدان محلی است که از طرف مردم برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و در هر حوزهٔ شورای داوری یک نفر از قضات دادگستری یا وکلاء دادگستری یا استادان دانشگاه و یا سر دفتران به‌عنوان مشاور قضایی شورا انجام وظیفه می‌کنند. اعضاء شوراهای داوری مانند اعضای خانه‌های انصاف از طریق کدخدانمنشی و ایجاد سازش و با در نظر داشتن عرف و سنتهای محلی و فارغ از تشریفات آیین دادرسی به اختلافات و دعاوی که در صلاحیت آنهاست رسیدگی می‌کنند.

صلاحیت شوراهای داوری متناسب با نیازها و مسائل شهری در سطح بالاتری از صلاحیت خانه‌های انصاف قرار دارد، و رایگان بودن کار این شوراها نیز همانند خانه‌های انصاف از تحمیل هزینه دادرسی به طرفین اختلاف جلوگیری می‌کند. از سال ۲۵۲۵ که نخستین شورای داوری شروع به کار کرد، تاکنون ۲۸۳ شورا در ۲۰۳ شهر تشکیل شده و در این مدت بیش از ۱۲ میلیون نفر از مزایای آنها بهره‌مند شده‌اند و نزدیک به ۷۵۰ هزار پرونده در این شوراها مورد رسیدگی و حل و فصل قرار گرفته است.





حاصل کار خانه‌های انصاف و شوراهاى داوری آنچه‌ان رضایت‌بخش بوده است که صلاحیت این دو مرجع طبق قانون مصوبه در سال ۲۵۳۶ افزایش یافت و با حذف دادگاههای بخش از سازمان قضایی کشور قسمت عمده از صلاحیت دادگاههای مذکور به‌خانه‌های انصاف و شوراهاى داوری واگذار گردید.

### انقلاب اداری

اصل دوازدهم انقلاب ایران ناظر به انقلاب اداری است. قسمت دیگر از این اصل نیز به انقلاب آموزشی مربوط می‌شود که قبلاً در باره آن توضیح داده شد.

در میان تمام اصول انقلاب، این اصلی است که اجرای آن تاکنون کمتر از همه مورد رضایت من بوده است. ولی ضمناً باید قبول کرد که اجرای واقعی این اصل از همه اصول دیگر انقلاب دشوارتر است، زیرا مستلزم تحولی عمیق در طرز فکر و روحیات و عادات ریشمدار شاغلان امور و کارمندان ادارات از یک طرف و ارباب رجوع از طرف دیگر است، و این تحولی نیست که به‌صورتی سریع و فوری انجام پذیر باشد.

مشکلی که ما در این مورد با آن مواجه هستیم مشکلی است که تقریباً برای همه کشورهای و جوامع دیگر نیز چه سرمایه‌دار و چه کمونیست، چه پیشرفته و چه در حال رشد، چه صنعتی و چه غیرصنعتی، در مقیاسها و ابعاد متفاوت وجود دارد، و آن روح



«بوروکراسی» است که شاید بتوان آن را یک بلای جهانی دانست. این روحیه سدی است که در برابر هرگونه پیشرفت و تحول مثبت اجتماعی گذاشته می‌شود، و از راه کند کردن کارها، کاغذ بازی، مسامحه کاری، مشکل تراشی و تشریفات زاید، باعث اتلاف وقت و خنثی کردن ابتکارات و گاه وارد آوردن زیانهای جبران‌ناپذیر می‌گردد. چنین وضعی از نظر انقلاب ایران که برپایه نوآوری و پیشروی بنیاد شده است غیرقابل تحمل است، زیرا اگر تشکیلات وسیع اداری قدرت و سازندگی نداشته باشند، و جوابگوی قاطع نیازها و مسائل نباشند، طبعاً مردم اعتماد خود را بدانها از دست خواهند داد و جریان امور بسا آن استحکام و آهنگی که منطقیاً باید انجام گیرد انجام نخواهد گرفت.

این اشکال از جنبه عکس آن نیز وجود دارد، یعنی هر فرد یا دستگاهی که با یک مسئول اداری در هر سطح و مقامی سروکار دارد، اگر به‌وظیفه و مسئولیت خود عمل نکند، اگر درخواست نادرستی داشته باشد و یا مطلبی برخلاف واقع بگوید، مسلماً طرف مسئول اداری نیز نخواهد توانست وظیفه خود را به‌درستی انجام دهد اگر باید در این مورد تغییر و تحولی انجام پذیرد، این تحول باید از هر دو جانب انجام گیرد.

اعلام انقلاب اداری برای از بین بردن همین وضع غیرقابل قبول صورت گرفت. هدف از اعلام و اجرای این اصل این بود که برای مبارزه با «بوروکراسی» و از میان بردن هرگونه عامل بی‌نظمی در ادارات، و ایجاد روح وظیفه‌شناسی و صداقت، و



تعدیل مقررات اداری، و تسهیل گردش کار کشور، کوششی قاطع و همه‌جانبه صورت گیرد.

وضع قوانین و مقررات تازه که نتیجه منطقی پیشرفت و توسعه امور است، هر روز تماس مردم را با دستگاههای دولتی بیشتر می‌کند، و به‌موازات آن حجم کار دولت نیز زیادتر می‌شود. این وضع، طبعاً بهبود وضع ادارات و تسریع در انجام کارها را به‌صورت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در می‌آورد.

برای تأمین این منظور در درجه اول اقدام شد که کارها به‌جای تمرکز زیاده از حد، پریایه عدم تمرکز تشکیلات اداری انجام گیرد. بدین جهت به‌استانداران اختیارات بیشتر داده شد، در توسعه تشکیلات اداری مملکت اقدام گردید برنامه‌های متعددی در مورد بهبود سازمانها و روشها، اجرای برنامه‌های آموزشی کارکنان دولت بویژه در سطح مدیران و رؤسای ادارات، استفاده از اطلاعات متخصصان در دستگاهها، کاهش تعطیلات اداری، مورد اجرا قرار گرفت. به‌منظور مطالعه دقیق در روشهای کار و حذف تشریفات زاید و ایجاد نظم و مدیریت صحیح در کارها و اصلاح قوانین و مقررات بر اساس تطبیق آنها با برنامه‌های انقلابی کشور، کنگره‌های بنام کنگره انقلاب اداری، و بر اساس بررسیهای این کنگره شورایی به‌نام «شورای انقلاب اداری» تأسیس شد و کمیته‌های مربوط بدین شورا در هر یک از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی به‌کار پرداختند. از چندی پیش تصمیم گرفته شد که کار ادارات تا سرحد امکان با استفاده از



سیستم کامپیوتری انجام گیرد تا مقدار زیادی از تشریفات بوروکراسی خود بخود از میان برود.

با این همه، برای به‌ثمر رسیدن انقلاب اداری اقدامات دراز مدت و کوشش پیگیر لازم است، زیرا این کار بستگی فوق‌العاده به‌عامل انسانی دارد. تحقق واقعی انقلاب اداری با همه اقداماتی که می‌شود و خواهد شد، مستلزم دگرگونی آگاهانه و مثبتی در روحیه و طرز فکر و برداشت عمومی، چه کارمندان و چه مراجعان ادارات، از مسئولیتهای فردی و اجتماعی و اخلاقی و ملی آنهاست. یکی از شرایط این آگاهی رشد فکری و آموزشی است، و از همین جهت بود که انقلاب اداری و انقلاب آموزشی به‌صورت یک اصل واحد وضع و اعلام شد اقداماتی که برای اصلاحات گسترده در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و سایر مراکز آموزشی کشور انجام گرفته و می‌گیرد نیز تا حد زیادی ناظر بر همین واقعیت است.

\*\*\*

مهمترین اقدامی که در راه حسن اجرای امور سازمانهای اداری کشور، و جلوگیری از سهل‌انگاریها و قصورها و اشتباهات مسئولان امور انجام گرفته است - ولی عملاً دایره کار آن از مفهوم کلی انقلاب اداری بسیار خراتر می‌رود - تشکیل کمیسیون شاهنشاهی به‌صورت سازمانی است که شاید نظیر آنرا در هیچ کشور دیگر جهان نتوان یافت.



شاهنشاهی به خود من تسلیم می‌شود.

بدین ترتیب کمیسیون شاهنشاهی وظیفه یک ناظر و مراقب آگاه و در عین حال بی‌غرض و خبرخواه را برای حسن جریان امور مملکت و جلوگیری از ضعف و قصور و احیاناً فساد در پیشرفت کارها دارد و این وظیفه را خالی از هرگونه حسد و بغض و کینه و حسادت و غرض انجام می‌دهد معایب کار در آنجا بدون پرده‌پوشی و با صراحت مطرح می‌شود و این کار تا وقتی که لازم باشد - و احیاناً همیشه - ادامه خواهد یافت. زیرا نه یک مملکت، نه یک جامعه، نه یک انسان، نمی‌تواند مطلقاً عاری از عیب و نقص باشد. بدیهی است این نواقص بتدریج کمتر خواهد شد، ولی معایب هر قدر هم جزئی باشد برای جامعه‌ای که می‌خواهد وارد دوران «نمدن بزرگ» شود قابل قبول نیست و باید خواه ناخواه برطرف گردد.

با امعان نظری بیطرفانه، می‌توان به خوبی درک کرد که کار این سازمان از کار هر اقلیت پارلمانی و هر تشکیلات مخالفی در رژیمهای پارلمانی چند حزبی سختگیرانه‌تر، بسی اسانتر و بی‌غرضانه‌تر است. اشاره به بی‌غرضی از این بابت است که عادتاً در تشکیلات نامبرده، حزب اقلیت یا مخالف خود را ملزم به استقفاذ از روی سند و مدرک نمی‌داند، زیرا هدف اصلی آن فقط عیبجویی و حمله است. در صورتی که کمیسیون شاهنشاهی با همین روح سختگیری و بی‌گذشتی منتها با دسترسی به همه مدارک و اسناد لازم و صرفاً بر اساس بررسی دقیق و بیطرفانه این اسناد عمل می‌کند.



این کمیسیون طبق فرمانی که در شانزدهم آبان‌ماه سال گذشته صادر شد در دفتر مخصوص شاهنشاهی به وجود آمد، و علت وجودی آن چنانکه در فرمان تصریح گردید این بود که با توجه به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی امروز ایران، باید کوشش دولت و حزب رستاخیز ملت ایران و عموم افراد مملکت معطوف به جلوگیری از هرگونه ضایعات و اتلاف نیروی انسانی و تولیدات کشاورزی و صنعتی و تأخیرها و نارساییهای موجب ضایعات، از راه برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده و نظارت و بازرسی دایمی باشد و برای تأمین این منظور از وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط مسئولیت خواسته شود.

مفهوم این مسئولیت این است که سرمایه‌های مادی و انسانی و فکری که مملکت در اختیار دستگاههای اجرایی می‌گذارد باید در زمانی محتمل و معین (که خود آن وزارتخانه‌ها یا دستگاهها تعیین کرده‌اند) بازده معلوم و قابل بازرسی داشته باشد، بنابراین در این مورد باید این مراجع به مفهوم کامل کلمه قبول مسئولیت بکنند و از این بابت مرتباً حساب پس بدهند.

در این کمیسیون که از نمایندگان تمام‌الاختیار وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول و نمایندگان حزب رستاخیز ملت ایران و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و وسایل ارتباط جمعی تشکیل شده است، جریان اجرای طرحهای زمان‌بندی شده مربوط به موظفان وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط مورد بازرسی و نظارت قرار می‌گیرد و گزارش پیشرفت کار منظمأ از طرف دفتر مخصوص



همکاری در ترک و رفع معایب از خصوصیات انقلاب ایران و نظام شاهنشاهی آن است. در پرتو این نظم همه ما می‌توانیم مثل افراد یک خانواده بزرگ دست در دست و بازو در بازوی یکدیگر، کار کنیم. راهگشای آینده باشیم و با کمک هم، چه از لحاظ مادی و چه از نظر معنوی، پیش برویم.

\*\*\*

به طوری که همه می‌دانند، سازمان دیگری نیز از مدتها پیش برای بازرسی امور کشور به نام «سازمان بازرسی شاهنشاهی» وجود دارد. این سازمان به صورت وارث سنت دیرینه شاهنشاهی ایران که در آن کسان مورد اعتمادی سمت «چشم و گوش شاهنشاه» را داشتند، از قریب بیست سال پیش مشغول کار است و از افرادی تشکیل شده است که مئولت مستقیم در برابر خود من دارند. این افراد وظیفه دارند به تمام کشور مافرت کنند و آزادانه با هر فرد و مرجعی تماس بگیرند و از عقل عدم پیشرفت کافی کارها آگاه شوند، و از شکایات مردم گزارشهای لازم برای من تهیه کنند. همه مردم نیز می‌توانند آزادانه به این سازمان مراجعه کنند و شکایتهای خود را با مسئولان آن در میان گذارند. این سازمان تاکنون با اثبات بی‌فرضی و وظیفه‌شناسی و در عین حال با سخنگیری خود اعتماد عمومی را کاملاً جلب کرده و با توسعه سازمانها و فعالیتهای مملکتی، دامنه کار آن نیز گسترش بیشتری یافته است.



## مبارزه با فساد

دو اصل چهاردهم و نوزدهم انقلاب، ناظر بر مبارزه با فساد یعنی با عاملی مخرب و منفی است که درست نقطه مقابل روح و فلسفه انقلاب ایران و مخالف با تمام اصول این انقلاب است. اصل چهاردهم انقلاب، مبنی بر «تعیین و تثبیت مداوم قیمتها، توزیع صحیح کالاها بر اساس سود عادلانه، مبارزه پیگیر با استثمار مصرف کنندگان و پایان دادن به عادت ناپسند گرانفروشی» پاسخگوی وضع نامطلوبی بود که افزایش تورم و بالا رفتن منظم قیمتها برای سلامت اقتصاد کشور در پیش آورده بود.

با توجه به توسعه اقتصادی سریع معنکت و افزایش درآمد سرانه و تعادل به‌بالا بردن سطح مادی زندگی، که هجوم خریداران را به بازار فروش کالاها و خدمات و ترقی روزافزون میزان مصرف را باعث می‌شد، افزایش قیمتها از راه گرانفروشی قابل پیش‌بینی بود. وئی برای این وضع، چه از نظر آثار تورمی آن و چه از لحاظ اجتماعی که از این طریق به مردم می‌شد قابل قبول نبود مبارزه با آن از مجرای مقررات عادی صنفی و قضایی نیز نمی‌توانست کاملاً مؤثر واقع شود. بلکه موفقیت چنین مبارزه‌ای مستلزم یک حمله «ضربتی» بود که جنبه فاعل و همه‌جانبه داشته باشد، و این کار فقط می‌توانست در کادر نظام انقلابی ایران انجام گیرد.



باید تذکر داد که این وضع نامطلوب منحصر به کشور ما نیست، بلکه یک گرفتاری اساسی اقتصاد جهانی است که بخصوص در اقتصاد دنیای غرب به نحو چشمگیری اثر بخشیده است. ترقی سرسام‌آور قیمت‌ها، بحران سیستم پولی بین‌المللی، سیاست‌های توسعه کشورهای بزرگ صنعتی، افزایش بیرویه دستمزدها، سودجویی شرکت‌های بزرگ به خصوص شرکت‌های چند ملیتی، و معاملات سودجویانه و احتکاری مواد اولیه، باعث بی‌آلا رفتن منظم نرخ تورم در جهان صنعتی شده است، که طبیعتاً کشور ما نیز نمی‌توانست از آثار آن برکنار بماند.

ولی سازمان اجتماعی و اقتصادی مملکت ما طوری بود که به‌ما اجازه می‌داد کناری را که آن کشورها نتوانسته بودند و نمی‌توانستند انجام دهند با موفقیت انجام برسانیم، یعنی با قاطعیت و قدرت تورم را از راه جلوگیری از شرایط و عوامل آن مهار کنیم.

برای این کار یک جهاد ملی علیه گرانفروشی و سودجویی نامشروع اعلام شد و به‌سیجی عمومی در سطح مملکتی برای مبارزه با گرانفروشی اقدام گردید. بلافاصله پس از اعلام اصل چهاردهم انقلاب در مردادماه ۲۵۳۴، دولت موظف شد به‌منظور گسترش امر مبارزه با گرانفروشی کلیه اقدامات لازم منجمله تجدید نظر اساسی در سازمان‌های اطاق اصناف و تشکیل گروه‌های نظارت و کنترل نرخها را انجام دهد. حزب رستاخیز ملت ایران نیز متقبل شد که با استفاده از تمام نیروهای ملی و



اداری مملکت در جنبش ملی علیه گرانفروشی شرکت جوید. ضمناً اخطار شد که در صورتی که طی یک‌ماه از آغاز این جنبش نتیجه رضایت‌بخشی از این کوششها حاصل نشود، قانون مربوط به رسیدگی به جرایم محکمان و گرانفروشان توسط دادگاه‌های نظامی در مورد آنان به اجرا در خواهد آمد.

کمیونی از وزیران، مسئول پیشبرد این مبارزه شد و این کمیون همگام با کمیته ملی حمایت از مصرف‌کننده و وزارتخانه‌هایی که عهده‌دار امور اقتصادی و قضایی بودند برای تمام اقلام غذایی و کالاهای ضروری قیمت‌های عادلانه تعیین کرد. در مدتی کوتاه قیمت چهارده‌هزار قلم کالا معین شد، و ۲۲۰۰ دانشجوی مدارس عالی و دانشگاهها داوطلبانه کار بازرسی در مورد محترم شمردن نرخهای اعلام شده را به‌عهده گرفتند. گذشته از وزارت بازرگانی، کمیته حمایت از مصرف‌کننده با پیچ طبقات مختلف مردم نسبت به کنترل نرخها اقدام کرد و ضمناً با تشکیل گروه‌های کار به بررسی علل گرانفروشی و کمبود کالاها و نیازهای جامعه مصرف‌کننده و انعکاس نتایج این بررسیها به دستگاههای مسئول پرداخت. اطاق اصناف نیز در زمینه جلوگیری از تخلفات صنفی در سطح تولیدکننده و واردکننده و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی فعالیت مؤثری کرد و کوشید تا از طریق توسعه شرکت‌های تعاونی و توزیع در اتحادیه‌های صنفی، دست واسطه‌ها را کوتاه کند. هزاران تن مواد غذایی و مصرفی عامه که به‌منظور سودجویی احتکار شده بود کشف و به‌قیمت



عادله در دسترس مردم گذاشته شد، و مسحتکران تسلیم عدالت شدند. تنها در مدت دو ماه بیش از هشت هزار نفر از این مسحتکران و سودجویان که سرخی از آنها صاحبان محروف صنایع و فروشگاههای بزرگ بودند، یا روانه زندان شدند یا جریمه‌های سنگین پرداخت کردند و یا برای مدتی از ادامه کار خود محروم گردیدند. حتی شرکتهای چند ملیتی خارجی مستعدی مشمول مجازات قرار گرفتند و عده‌ای از رؤسای سندیکاها، فرمانداران و شهرداران و مقامات عالی‌رتبه دولتی مورد بازخواست و تنبیه واقع شدند. برای رسیدگی به جرایم همه این افراد و سازمانها، دادگستری به تشکیل دادگاههای فوق‌العاده اقدام کرد و این دادگاهها که آرائشان قابل استئناف نبود همراه با دادگاههای عادی به کار پرداختند.

بموازات این اقدامات، ضوابطی اصولی برای تنظیم بازار و تعیین ساعات کار برقرار شد و فعالیتهای بازرگانی زیر نظارت دقیق قرار گرفت. ضمناً اقدامات لازم به منظور تسریع در تخلیه کالاها از کشتیها و حمل‌فوری آنها به مراکز مصرف و نیز گسترش تعاونیها انجام گردید، و از این راه بسیاری از کیو‌دهای بازار مصرف برطرف شد.

نتیجه اجرای این برنامه - که البته بعد از آن نیز ادامه یافت و باید ادامه یابد - این بود که نه تنها تورم در سطح قابل پیش‌بینی متوقف شد، بلکه شاخص هزینه زندگی پنج درصد تقلیل یافت و نرخ افزایش هزینه زندگی به زیر صفر رسید. اقتصاد ما



حتی با یک نوع کمبود جریان اسکناس و رشد هندتورمی مواجه شد. بدین ترتیب کشور ما رکورد تازه‌ای در مهار کردن تورم به دست آورد و این آزمایشی است که تصور نمی‌رود در هیچ‌جای دیگر جهان انجام گرفته باشد. تذکر این نکته در عین حال لازم است که بعدیل درآمد زیاد و قدرت خرید ناشی از آن، تورم در سال ۲۵۳۶ دوباره به‌طور خطرناکی شروع شد، ولی باز هم با کنترل قیمت زمین تا آخر سال به‌حدود معنولی پایین آورده خواهد شد.

باید متذکر شد که دولت از چند سال پیش به‌منظور تثبیت قیمت کالاهای اساسی از قبیل گندم، گوشت، قند، شکر، برنج، روغن، چای، تخم‌مرغ و غیره، هر ساله مبالغ هنگفتی از محل اعتباری که برای صندوق حمایت از مصرف‌کننده اختصاص می‌دهد پرداخت کرده است، تا از افزایش بهای این کالاهای اولیه مورد نیاز مردم جلوگیری کند. رقم این پرداختها که در سال ۲۵۳۲ اندکی بیش از ۸ میلیارد ریال بود، دو سال بعد از آن به ۱۱۷ میلیارد ریال رسید.

در ادامه اجرای اصل تعیین و تثبیت مداوم قیمتها و مبارزه با گرانی‌فروشی، دولت می‌باید کوشش کند تا همچنان بهای کالاهای اساسی را برای مصرف‌کننده ثابت نگاه دارد، به نحوی که نوسانات قیمتها در سطح بازارهای بین‌المللی و داخلی در قیمت خرید مصرف‌کنندگان تأثیری نداشته باشد و برای این منظور مابه‌التفاوت بهای خرید کالاها و بهای عرضه اجناس



بمصرف کنندگان از محل اعتبارات دولت که در بودجه صندوق حمایت از مصرف کننده منظور می شود تأمین گردد. همچنین برای تعیین و تثبیت قیمت حقیقی کالاها و مبارزه با گرانفروشی امر قیمت گذاری بر ضوابط مشخصی استوار شود و حتی المقدور قیمت کالاهای داخلی از قیمت‌های بین‌المللی نباید بیشتر باشد تا با نظارت مستمر بر عرضه کالاها و موارد مورد نیاز عامه و تأمین و توزیع سریع کالاهای مورد نیاز عمومی به منظور جلوگیری از کمبود عرضه، و تماس دائمی با تولید کنندگان و وارد کنندگان کالا از نظر تنظیم بازار و نظارت بر کلیه فعالیت‌های بازرگانی و ایجاد شبکه‌های توزیع، از هرگونه گرانفروشی و احتکار و تقلب در عرضه کالا جلوگیری شود.

با وجود همه این برنامه‌ها و اقدامات، باید عموم افراد مملکت بدین نکته عمیقاً توجه داشته باشند که حسن اجرای این اصل انقلاب که فقط برای تأمین منافع و دفاع از حقوق آنان وضع شده است، در درجه اول به عهده خودشان است. یعنی قبل از هرچیز این مصرف کننده است که می باید از خرید کالاها و خدمات بهر قیمتی که بدو عرضه شود خودداری کند و فقط با بررسی و دقت لازم به خرید آنها با نرخ عادله و تعیین شده مبادرت ورزد، و اگر در این راه با تقلب و گرانفروشی مواجه گردد برای دفاع از حق خود و حق دیگران و به عنوان انجام یک وظیفه ملی گرانفروشی را به دست قانون سپارد. اگر این وظیفه ستایی و همکاری با مأموران قانون از طرف مردم کاملاً



رعایت نشود مسلماً کار این مبارزه آن موفقیتی را که لازم است در پی نخواهد داشت، چنانکه هم‌اکنون نیز می توان تذکر داد که در سال جاری متأسفانه همین سهل انگاری‌ها، توأم با عادت‌های قدیمی لطمانی به موفقیت قاطع این جهاد ملی وارد کرده است که فقط رشد فکری ملی می تواند جوابگوی آن باشد.

\*\*\*

اصل نوزدهم انقلاب، مکمل همین مبارزه با فساد و ناظر بر کوشش وسیع دیگری در جهت منزله نگاه داشتن جامعه ایرانی و جلوگیری از رسوخ هرگونه نادرستی در پیکر اجتماعی سالم ایران امروز است، که سوءاستفاده از مقام و صوفیت شغلی یکی از مظاهر آن به شمار می رود. طبق این اصل و بر اساس این منطق کلی که می باید همه تلاش و کوشش صاحبان مقامات دولتی در راه مصالح و منافع جامعه به کار رود مقرر شده است که مقامات سطح بالای دولتی (که طبقه بندی آنها مشخص شده است) و شهرداران درجه یک، در زمانهای معین کفیه دارایی‌های خود و همسر و فرزندان تحت تکفل خویش را اعلام کنند، و آن قسمت از دارایی‌ها که به صورت سهام شرکتها و بانکها و مشابه آن باشد در مدت تصدی مقامات نامبرده به‌طوراتی قرضه دولتی تبدیل گردد یا توسط بانکها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و یا مؤسسات مشابه که دولت معین خواهد کرد به صورت امانی اداره شود.

مفهوم فلسفی این اصل را باید از دیدگاه کلی مبارزه با فساد



در نظر گرفت که چنانکه گفته شد یکی از ارکان اخلاقی نظم اجتماعی امروز ایران است. بدیهی است نباید کسب پول را از راه کار شرافتمندانه با تحصیل آن از راه فساد و نادرستی مرادف شمرد. اگر کسی از حاصل کار و ابتکار خود پول پیدا کند و حتی میلیونر و میلیاردر بشود، به شرط اینکه مالیات قانونی خود را بپردازد، چنین شخصی نه فقط مستوجب ملامت با حسادت نیست، بلکه بالعکس شایسته هرگونه تشویق و ستایش است، زیرا تحصیل پول از راه مسابقت شرافتمندانه شایستگی گذشته از آنکه به سود خود چنین فردی تمام می شود، قدمی است که در راه پیشرفت اقتصاد مملکت برداشته می شود. در مقابل، دستیابی به ثروت از راه فساد و نادرستی به هیچ وجه قابل بخشش و گذشت نیست، و باید شدیداً مورد مواخذه و تعقیب قرار گیرد، زیرا فساد و ارزشاء بدترین دشمن موجودیت اجتماعی هر جامعه است و اگر وجود داشته باشد، به خصوص اگر مواضع حساس را در بر گرفته باشد، دیگر نمی توان روی آن مملکت و جامعه حساب کرد.

مفهوم اصلی نوزدهم انقلاب را چنین می توان خلاصه کرد که در نظام شاهنشاهی ما و بر مبنای اصول قانون اساسی و منعم آن نقیض اختیار به اعضای دولت و دستگاههای وابسته بدان به نام اعضای قوه مجریه بازنمایی از رسالت مرکز رهبری در پاسداری از قوانین و تأمین حقوق ملت است، بنابراین رؤسای دولت و کلبه کارکنان دولتی هنگامی به ایفای این وظیفه موفق می شوند که در زمان تصدی مشاغل و مقامات، قدرت خود را بیطرفانه در



طریق حل مسائل جامعه به کار برند و بسا انصراف از مباح شخصی، خود را کاملاً در خدمت رسالت اجتماعی و ملی خویش فرار دهند. نظام دموکراسی ایران به خصوص اصول انقلاب که بر مبنای تساوی حقوق و تأمین فرصتهای مشابه برای کلبه افراد ملت ایران پایه گذاری شده، هیچ فرد یا طبقه ای را از امتیازات سیاسی یا اجتماعی و یا اقتصادی محروم نمی کند. بدینجهت استفاده از هر عضو لایق را که در آزمون خدمت به جامعه به درک شایستگی موفق شده باشد بدون توجه به وضع مالی و میزان ثروت و امتیازات شخصی او برای خدمت در مشاغل و یا مؤسسات ملی و دولتی بدون تفاوت و تبعیض، ضروری می شمارد. ولی این احترام به موقعیت مالی و اقتصادی اشخاص مشروط بدان است که این دارایی از راه مشروع و با پیروی از قوانین و پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران تحصیل شده باشد. بدیهی است وزیر و خیر و دیگر مقامات عالی رتبه دولتی نباید به خاطر قبول مسئولیت از حفظ امتیازات اجتماعی خود محروم شوند، لیکن به خاطر جلب اعتماد عمومی باید در آغاز خدمت دارایی مشروع خود را اعلام کنند و اداره آن را در مواردی که به صرف وقت و فعالیت اقتصادی نیاز دارد، در مدن مأموریت خویش به مؤسسات و شرکتهایی که این امور در صلاحیت و تخصص آنهاست واگذار نمایند تا بدین ترتیب هم اعتماد و احترام عمومی را پشتوانه خدمت خود داشته باشند و هم منافع مشروع مالی ایشان به صورتی مطمئن و رضایت بخش حفظ شده باشد. در مورد





مقامات درجه اول دولتی که باید دارای خود را اعلام کنند. هدف این است که این افراد در زمان تصدی چنین مشاغلی نتوانند ثروت اندوزی کنند، و در نتیجه همه وجود و وقتشان وقف خدمت به مملکت بشود. دارایی چنین مقاماتی را می توان از راههای مختلف مورد بهره برداری خود آنان فرار داد. یک راه آسان، تبدیل این دارایی ها به اوراق قرضه دولتی است. یک راه دیگر نیز نگهداری آنها در تراستهای بی نام است که خود صاحب سهم، البته تا وقتی که در خدمت دولت است، در آنها دخالتی ندارد. ولی بعد از آن طبعاً می تواند سهام خود را پس بگیرد. علت پیشنهاد تراستهای بی نام این است که در غیر این صورت اگر بخواهند سرمایه ای را یکباره در بورس بریزند که تبدیل به اوراق قرضه شود، ممکن است اصل سرمایه زیان ببینند. علاوه بر تراستهای بی نام، می توان از بانکهایی نیز که دولت معین می کند استفاده کرد تا دارای این مقامات را به طور امائی اداره کنند.

### بیمه همگانی

اصل هدف انقلاب، مبنی بر بیمه همگانی و تأمین دوره بازنشستگی برای همه افراد ملت ایران به خصوص روستاییان کشور، یکی از مهمترین و آینده سازترین اصول انقلاب ایران است. قانون تأمین اجتماعی که ره آورد انقلاب است جامع موارد



اساسی تأمین اجتماعی است که به صورتی گسترده گسروههای مختلف جامعه ایرانی را در بر می گیرد.

بیمه های اجتماعی و سازمانهای تعاونی، دو رکن اساسی تأمین نیازمندیهای اجتماعات عصر حاضر و تضمین آینده مطمئن برای هر فرد بشری است، و بدیهی است که در جامعه امروزی ایران که پیشرفت اقتصادی آن توأم با پیشرفت عدالت اجتماعی است، پاسخگویی بدین نیاز انسانی و مشروع افراد در درجه اول اهمیت قرار دارد. هدف نهایی اصل هدف انقلاب این است که هر فرد ایرانی در تمام مراحل زندگی خود زیر پوشش حمایتی تأمین اجتماعی قرار داشته باشد. بر اساس قانون تأمین اجتماعی، این پوشش حمایتی از پیش از تولد نوزاد از راه حمایت و مرافقت از زنان باردار و پرداخت کمک بارداری شامل وی می گردد، یعنی هر ایرانی عملاً حتی قبل از تولد مشمول بیمه می شود. تأمین اجتماعی بیمه های حوادث، بیماریها، کهنوت، از کار افتادگی، نقض عضو، غرامت دستمزد ایام بیماری، کمکهای ازدواج و عائله مندی را شامل می شود و حتی باید بتوان روزی بیمه استعدادهای را برقرار ساخت.

قانون تأمین اجتماعی که طی سالهای انقلاب جمعیت کثیری از مزد بگیران و حقوق بگیران کشور و خانواده های آنان را شامل شده است، از نظر حمایتهای قانونی و موارد تأمین اجتماعی از قوانین بسیار مترقی دنیا در این زمینه است، زیرا در حالی که در پیشرفته ترین ممالک صنعتی جهان افراد می توانند هنگام



بازنشستگی حداکثر به طور متوسط ۵۰ تا ۶۰ درصد از متوسط حقوق یا دستمزد ماهانه قبل از بازنشسته شدن را دریافت کنند. در ایران مشمولین این قانون به هنگام بازنشستگی می توانند تا صد درصد از متوسط دستمزد یا حقوق سال آخر خدمت خود را به عنوان مستمری بازنشستگی دریافت دارند. همچنین به منظور حفظ قدرت خرید مستمری بگیران با توجه به افزایش هزینه ها، حداقل مستمریها بر مبنای حداقل دستمزد تعیین می شود و منظمأ در مبالغ مستمریها در جهت حفظ ارزش حقیقی آنها تجدید نظر به عمل می آید.

تعهدات این قانون در مورد بیماران بدون محدودیت مدت و هزینه درمان است و «پروژه» را نیز شامل می شود، حتی بیمه شده می تواند در صورت عدم امکان معالجه در کشور به مراکز درمانی خارج از کشور به شرط امکان معالجه اعزام شود.

مشمولین بالقوه این قانون عبارتند از کلیه مزد بگیران و حقوق بگیران کشور (بجز کارمندان دولت و نیروهای مسلح شاهنشاهی، روستاییان، اصناف و صاحبان حرف و مشاغل آزاد، کارکنان رسمی دولت و نیز نیروهای مسلح شاهنشاهی بر اساس قوانین خاص از کلیه حمایت های تأمین اجتماعی بهره مند گردیده اند.

همگاه یا گسترش امکانات پزشکی و درمانی در سطح کشور خدمات و حمایت های بیمه های درمانی به گروه کثیری از مردم مملکت از طریق بیمه های اجتماعی و همگانی توسعه و تعمیم داده



شده است. به طوری که عدد بیمه شدگان و افراد خانواده های مشمول قانون بیمه های اجتماعی که در سال ۲۵۲۱ به حدود یک میلیون نفر بالغ می شد هم اکنون به ۸ میلیون نفر رسیده است. بدین ترتیب کلیه کارگران بخش صنعتی و تولیدی و بخش اعظم کارکنان بخش خدماتی از بیمه های درمانی برخوردار شده اند. با اجرای قانون تأمین خدمات درمانی مستخدمین دولت، ظرف مدت کوتاهی کلیه کارکنان دولت اعم از فعال و بازنشسته رسمی و قراردادی و روزمزد با خانواده های خود و نیز کارکنان بخش خصوصی و خانواده های آنان از مزایای قانون تأمین درمان بهره مند شده اند و از خدمات درمانی استفاده می کنند. به طوری که بیمه شدگان مشمول این قانون به سه میلیون نفر رسیده اند. اکثریت قریب به اتفاق بیمه شدگان مشمول این قانون از کلیه خدمات درمانی ضروری بدون محدودیت بهره مند هستند و می توانند آزادانه به بیمارستانها و پزشکان کشور به انتخاب خود مراجعه کنند. کلیه افسران و درجه داران نیروهای مسلح شاهنشاهی از مزایای تأمین درمانی مشابه کارکنان دولت برخوردارند.

در حال حاضر حدود ۶۰۰ هزار نفر از جمعیت روستایی کشور از مزایای بیمه های درمانی استفاده می کنند و با دگرگونی هایی که در نظام بهداشتی و درمانی روستاها پدید آمده است تا پایان سال جاری تقریباً ۶۵۰۰۰۰ نفر از طریق شبکه بهداشتی و بهزیستی زیر پوشش قرار خواهند گرفت. بدین ترتیب اکنون بیش از ۱۲ میلیون نفر از مردم کشور از مزایای قانونی